

بسم الله الرحمن الرحيم

عذیر

نماد مهر و علم و عدالت

دکتر محمد معارف، عبدالحسین طالعی، علی اکبر تلافی



انتشارات نأ

سرشناسه : معارف، مجید، ۱۳۳۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : غدیر نماد مهر و علم و عدالت
 مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی نیا، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۱۶۸ ص.
 شابک : 9786002640505
 وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir>
 قابل دسترسی است
 شناسه افزوده : طالعی، عبدالحسین، ۱۳۴۰ -
 شناسه افزوده : تلافی، علی اکبر، ۱۳۴۲ -
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۱۳۳۹۳

غدیر

نماد مهر و علم و عدالت

دکتر مجید معارف ، عبدالحسین طالعی ، علی اکبر تلافی
 حروفچینی: مهدی ۶۶۰۸۶۵۷۰ / لیتوگرافی: ندا/ چاپ و صحافی: دالاهو و صالحانی
 چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۸۰,۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نیا

تهران: خیابان شریعتی، روبروی ملک، خیابان شبستری، خیابان ادیبی، پلاک ۶۲

فاکس: ۷۷۵۰۶۶۲۰۲

تلفن: ۷۷۵۰۴۶۱۳

ISBN : ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۰۵۰-۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۰۵۰-۵

فهرست مطالب

غدير در آئینه قرآن و روايات	۷
مقدمه	۹
زمينه‌هاى تاريخى حادثه غدير	۱۱
خطبه پيامبر ﷺ در غدير خم	۱۷
بررسى هاىى درباره حادثه غدير خم	۲۳
۱- جاىگاه واقعه غدير در منابع اسلامى	۲۳
۲- بازتاب واقعه غدير در تفاسير قرآن	۲۵
الف - تفاسير شيعه	۲۵
ب- تفاسير اهل سنت	۳۲
نقد و بررسى عقايد مفسران اهل سنت درباره آيه تبليغ	۳۷
۱- بررسى فرض نخست: نزول آيه در مکه	۳۷
۲- بررسى فرض دوم: نزول آيه درباره اهل كتاب	۴۲
۳- تحقيقى درباره شأن نزول آيه تبليغ	۴۷
۴- بررسى چند مسأله پيرامون آيه تبليغ	۵۱
الف- رابطه آيه تبليغ با آيات قبل و بعد آن چيست؟	۵۱

- ب- چرا پیامبر ﷺ از اعلام ولایت علی علیه السلام، واهمه داشت؟ ۵۵
- ج- در حدیث غدیر «مولی» به چه معنی است؟ ۶۱
- منابع و مأخذ ۶۹
- خود را بیازمائید ۷۱
- درس‌هایی از خطبه غدیر ۷۷
- ۱- ولی خدا ۷۷
 - ۲- فرمانش را ببرید ۷۹
 - ۳- آن دانش انباشته ۸۱
 - ۴- خدایش برتری داد ۸۳
 - ۵- بیانگر کتاب خدا ۸۵
 - ۶- دو یادگار ماندگار ۸۷
 - ۷- «امیرالمؤمنین علیه السلام» کیست؟ ۸۹
 - ۸- برادر و جانشین پیامبر ﷺ ۹۱
 - ۹- دین، کامل شد ۹۳
 - ۱۰- کانون نور ۹۴
 - ۱۱- هشدار! ۹۶
 - ۱۲- منت ننهید! ۹۸
 - ۱۳- تداوم غدیر در نسل‌ها ۱۰۰
 - ۱۴- آزمون و تمایز ۱۰۲

- ۱۵- راه، این است..... ۱۰۴
- ۱۶- صراطِ مستقیم..... ۱۰۶
- ۱۷- هدایت‌پذیر کیست؟..... ۱۰۸
- ۱۸- بهشتیان..... ۱۱۰
- ۱۹- راهنمایانِ اَمّت..... ۱۱۲
- ۲۰- واپسین حلقهٔ این رشتهٔ نور..... ۱۱۴
- ۲۱- رایتِ بلندِ هدایت..... ۱۱۶
- ۲۲- روز انتقام..... ۱۱۸
- ۲۳- دژ شکن..... ۱۲۰
- ۲۴- مشرکان! به‌هوش!..... ۱۲۲
- ۲۵- موعودِ اَمّت‌ها..... ۱۲۴
- ۲۶- پیروزمند شکست‌ناپذیر..... ۱۲۶
- ۲۷- راز دارِ خدای جهان..... ۱۲۷
- ۲۸- حجّ آگاهانه..... ۱۲۹
- ۲۹- بر فراز قلّه «امر به‌معروف»..... ۱۳۱
- ۳۰- به کجا می‌روید؟..... ۱۳۳
- ۳۱- سپاس بر نعمت هدایت..... ۱۳۵
- ۳۲- حق را می‌پوشانید..... ۱۳۷
- خود را بیازمایید..... ۱۳۹

- آداب عید غدیر..... ۱۴۷
- * تبریک و تهنیت گفتن..... ۱۵۴
- * دست دادن..... ۱۵۴
- * تبسم و اظهار شادی..... ۱۵۵
- * پوشیدن لباس‌های فاخر و زینت دادن..... ۱۵۶
- * طعام دادن..... ۱۵۷
- * دید و بازدید..... ۱۵۷
- * توسعه دادن..... ۱۵۸
- * هدیه دادن..... ۱۵۸
- * افطاری دادن..... ۱۵۹
- * یاری دادن..... ۱۵۹
- * نیکی کردن..... ۱۶۰
- * حمد الهی..... ۱۶۱
- * صلوات و براءت..... ۱۶۱
- * عقد اخوت و برادری..... ۱۶۲
- * نماز روز غدیر..... ۱۶۳
- * روزه‌داری..... ۱۶۴
- زیارت امیر المؤمنین علیه السلام..... ۱۶۶

غدير در آئینه
قرآن و روایات

دکتر محمد معارف

مقدمه

از شواهد قطعی بر امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام که در قرآن و روایات بر آن تأکید شده است، حادثه غدیر خم می‌باشد. در این باره آیاتی در سوره مائده وجود دارد که به عقیده مفسران شیعه و نیز بسیاری از مفسران اهل سنت تطبیقی جز با ولایت و امامت علی علیه السلام ندارد. همچنین در تفسیر این آیات روایاتی در کتب حدیث و تفسیر شیعه و سنی وارد شده که خلافت بلافصل علی علیه السلام را قطعی و مسلم می‌کند؛ به گونه‌ای که برای حقیقت طلبان تردیدی در اولویت علی علیه السلام نسبت به دیگران در تصدی مقام خلافت باقی نمی‌گذارد. در این کتاب بر آنیم که با تکیه بر شواهد قرآنی و روایی به بررسی حادثه غدیر خم پرداخته و امامت علی علیه السلام را از این منظر مبرهن سازیم.

زمینه‌های تاریخی حادثه غدیر

با حلول ماه ذی القعدة سال دهم هجری، رسول گرامی اسلام ﷺ تصمیم خود را جهت زیارت خانه خدا و ادای فريضة حج با مسلمانان در میان نهاد. این خبر به سرعت در شهر مدینه و اطراف آن منتشر گردید و علاوه بر آن به گوش مسلمانان دیگر که در نقاط مختلف عربستان زندگی می‌کردند رسید، به طوری که در اندک زمان هزاران نفر برای برگزاری فريضة حج در کنار رسول خدا ﷺ حاضر شدند.

در بیست و پنجم ذی القعدة کاروان رسول خدا ﷺ با شمار زیادی از مسلمانان که مورخان تعداد آنها را تا صدهزار نفر و یا اندکی بیشتر ذکر کرده‌اند، از مدینه به قصد مکه خارج گردید. این عده غیر از کسانی بودند که از نقاط دیگر عربستان از جمله ساکنان

مکه و آبادیهای اطراف آن به حج گزاران ملحق شدند.

شیخ مفید در کتاب الارشاد آورده است:

پس از برخورد رسول خدا ﷺ با مسیحیان نجران و جریان مباحله، حجة الوداع به وقوع پیوست. اندکی قبل از این پیشامد، پیامبر ﷺ علی را به یمن فرستاد تا خمس گنجینه ها و معادن را از اهالی آنجا بگیرد و آنچه را که مسیحیان نجران - از حله و پول - متعهد شده بودند، دریافت کند. حضرت علی علیه السلام به محل مأموریت خود عزیمت کرد. رسول خدا ﷺ به کس دیگری غیر از علی علیه السلام در این کار اعتماد نکرد و در میان مردم هیچکس را شایسته این کار ندید. حضرتش علی علیه السلام را به عنوان نایب خود به این سفر گسیل داشت، زیرا درباره انجام مأموریتی که بر عهده اش گذاشته بود، آسوده خاطر بود.

در همین ایام رسول خدا ﷺ آهنگ حج نمود و پس از آنکه جمعیت زیادی از مدینه و اطراف آن با پیامبر ﷺ همراه شدند، آن حضرت در بیست و پنجم ذی القعدة از مدینه خارج گردید. همزمان با آن رسول خدا ﷺ نامه ای به علی علیه السلام که در یمن به سر می برد ارسال کرد و در آن به آن حضرت سفارش کرد که از یمن به مکه آید، اما در مورد نوع حج خود و چگونگی نیت آن مطلبی برای علی علیه السلام ننوشت.

غدیر در آیینۀ قرآن و روایات / ۱۳

به هر حال، رسول خدا ﷺ در جمع مسلمانان به سوی مکه به راه افتاد و حضرت علی علیه السلام نیز با سپاهی که همراهش بودند، از یمن به سمت مکه حرکت نمود. حضرتش با نزدیک شدن به مکه، سپاه را به شخصی سپرد و خود جهت دیدار پیامبر ﷺ به سرعت روانه گشت به طوری که موفق شد قبل از ورود به مکه رسول خدا ﷺ را ملاقات کند و درباره سفر خود و حلّه ها و هدایایی که آورده بود گزارشی تقدیم نماید. رسول خدا ﷺ ضمن اظهار خرسندی از دیدار علی علیه السلام از او سؤال کرد که: ای علی، به چه نیتی احرام بستی؟ علی علیه السلام در پاسخ گفت: ای رسول خدا ﷺ شما برای من نوشته بودی که خود به چه نیتی احرام خواهی بست، من به نیت شما آگاه نبودم، از این رو به هنگام احرام و تلبیه نیتم را به نیت شما پیوند زدم و گفتم: بار خدایا، من به همان نیتی احرام می بندم که رسول تو بسته است و سی و چهار شتر نیز برای قربانی با خود آورده ام. رسول خدا ﷺ فرمود: الله اکبر! من شصت و شش شتر برای قربانی آورده ام. تو در حج و مناسک و انجام قربانی با من شریک هستی. اکنون بر احرام خود باش و به سوی لشکر بازگرد و آنان را سریعاً بیاور تا در مکه به هم ملحق گردیم.

رسول خدا ﷺ جهت انجام مناسک حج چند روزی در مکه به سر برد. آن حضرت در روز عرفه - و به روایتی در روز عید -

خطبه‌ای در جمع مسلمانان ایراد فرمود که در آن همگان را به رعایت تقوای الهی، تعهد به ارزشهای اخلاقی و مراعات حقوق یکدیگر سفارش نمود.^۱ پس از آن رسول گرامی صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت که مکه را به قصد مدینه ترک گوید. فرمان حرکت صادر گردید و بار دیگر خیل عظیم مردم به همراهی پیامبر خود مکه را به مقصد مدینه پشت سر گذاشتند. هنگامی که این کاروان عظیم به نزدیک جُحْفه رسید، امین وحی الهی در نقطه‌ای به نام غدیر خم فرود آمد و این آیه را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد که:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۲

ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت نازل شده است، به مردم برسان! و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، حفظ می‌کند. و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نخواهد کرد.

با نزول این آیه پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که کاروان از حرکت باز

۱. جهت اطلاع از این خطبه بنگرید به السیره النبویه معروف

به سیره ابن هشام ۲۵۰/۴.

۲. سوره‌ی مائده/۶۷.

غدیر در آیینۀ قرآن و روایات / ۱۵

ماند و با این فرمان، مسلمانان کسانی را که در پیشاپیش قافله در حرکت بودند، به بازگشت دعوت کردند و کسانی که در عقب بودند نیز به تدریج، به دیگران پیوستند.

هنگام ظهر فرا رسیده بود و هوا به شدت گرم بود؛ به طوری که مردم قسمتی از عبای خود را بر سر و قسمتی دیگر را به زیر پا افکندند. وقت نماز فرا رسید و پیامبر ﷺ به آنان اطلاع داد که همه باید برای شنیدن پیام تازه‌ای آماده شوند. در اینجا مسلمانان منبری از جهاز شتران ترتیب دادند و رسول خدا ﷺ بر بالای آن قرار گرفت و خطبه تاریخی خود را به شرحی که خواهد آمد، ایراد فرمود.^۱

۱. ارشاد شیخ مفید ۱/ ۱۵۸-۱۶۵، با اندکی تلخیص. و نیز بنگرید به: اعلام‌الوری ۱/ ۲۵۹-۲۶۳، سیرة‌المصطفی / ۶۹۳: مبحث غدیر خم.

خطبه پیامبر ﷺ در غدیر خم

علامه امینی در کتاب «الغدیر» با استفاده از مدارک معتبر، خطبه پیامبر ﷺ را در غدیر خم چنین گزارش کرده است:

حمد و ثنا مخصوص خداست. از او یاری می‌طلبیم. و به او ایمان داریم. و بر او توکل می‌کنیم. و از بدیها و اعمال ناروای خود به او پناه می‌بریم. گمراهان را جز او راهنمایی نیست. و هر کس را که هدایت کرد، گمراه کننده‌ای برای او نخواهد بود. گواهی می‌دهم که معبودی جز او نیست و محمد بنده و پیامبر اوست.

هان ای مردم! نزدیک است که دعوت حق را لبیک گویم و از میان شما بروم. من مسئولم و شما نیز مسئولید، اینک اندیشه و گفتار شما درباره من چیست؟

در این هنگام مردم گفتند: گواهی می‌دهیم که تو رسالت خود را انجام دادی و برای ما کوشش نمودی. خداوند تو را پاداش نیک دهد...

رسول خدا ﷺ پس از اندکی فرمود: همانا من در انتقال به سرای دیگر بر شما سبقت خواهم گرفت، اما دو یادگار گرانمایه در میان شما می‌گذارم. بیندیشید که با این دو یادگار چگونه رفتار می‌نمایید.

در اینجا یک نفر از میان جمعیت گفت: یا رسول الله، منظور از آن دو یادگار گرانبها و ارجمند چیست؟

رسول اسلام ﷺ فرمود: یکی کتاب خدا که بزرگتر است و وسیله ارتباط شما با خداوند است. و آن دیگر که کوچکتر است، عترت و اهل بیت من است. و خداوند به من خبر داده است که این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. هان ای مردم! از آن دو پیشی نگیرید و از پیروی از هر دو کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد.

در این هنگام پیامبر ﷺ دست علی علیه السلام را گرفت و بالا برد به طوری که زیر بغل هر دو نمایان گردید. پیامبر ﷺ مسلمانان را به این صورت مورد خطاب قرار داد که:

«ایها الناس! من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم؟»

یعنی: ای مردم چه کسی از مردم به مؤمنان از خود آنها سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند.

پیامبر ﷺ فرمود: همانا خداوند مولای من و من مولای مؤمنان هستم و من بر آنان از خودشان سزاوارترم. سپس فرمود:

«من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله...»

یعنی: هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست. خداوندا، دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار. محبوب بدار آن کس را که او را محبوب دارد و مبغوض دار آن کس که او را مبغوض دارد. یارانش را یاری کن و واگذارندگان او را واگذار. و او را معیار و میزان حق قرار ده.

سپس فرمود:

«الا فليبلغ الشاهد الغائب».

یعنی: آگاه باشید، حاضران بایستی این امر را به غایبان برسانند.

هنوز جمعیت پراکنده نشده بودند که بار دیگر جبرئیل نازل گشت و این آیه را بر پیامبر ﷺ فرود آورد که:

«اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي و مرضيت لكم الاسلام ديناً».

یعنی: امروز آیین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما برایتان پسندیدم.
پیامبر اسلام ﷺ با نزول این آیه فرمود: الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا به رسالت من و ولایت علی بعد از من.

در این هنگام مردم نزدیک شدند و به علیؑ به جهت این مقام و منزلت تهنیت گفتند. و از جمله کسانی که قبل از دیگران به علیؑ تبریک گفتند ابوبکر و عمر بودند که گفتند: به تو باد ای پسر ابوطالب که مولای ما و مولای هر مرد و زن مؤمن گشتی!
سپس حسان بن ثابت از پیامبر ﷺ اجازه خواست که در این باره شعری بگوید. پیامبر ﷺ به او اجازه فرمود و او اشعاری سرود که ترجمه قسمتی از آن به شرح زیر است:

- پیامبر ﷺ به آنان در روز غدیر ندا داد. و چه سزااست ندای پیامبر ﷺ را شنیدن.

- فرمود: مولای شما و پیامبر شما چه کسی است؟ و آنها بدون چشم پوشی و اغماض گفتند که:

- خدای تو مولای ماست و تو پیامبر مایی. و ما از پذیرش ولایت تو سرپیچی نخواهیم کرد.

- پیامبر ﷺ به علی گفت: برخیز؛ زیرا من تو را بعد از خودم

امام و رهبر انتخاب کرده‌ام.

- و سپس فرمود: هرکس من مولا و رهبر اویم، این مرد مولا و رهبر اوست، شما هم از سر صدق و راستی از او پیروی کنید.

- در این هنگام پیامبر ﷺ عرض کرد: بار خدایا، دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار...

پس از آنکه حسان بن ثابت شعر خود را سرود، رسول خدا ﷺ جمله معروف خود را درباره حسان به زبان آورد که: «تا وقتی که با زبان خود ما را یاری می‌کنی روح القدس موید تو است».^۱

پس از پایان مراسم تعیین جانشین در سرزمین غدیرخم، مسلمانان برخاستند و هر گروه و دسته‌ای به جانب مقصدی روانه گشت. پیامبر ﷺ و عده زیادی که از مدینه به همراه آن حضرت آمده بودند نیز راه مدینه را در پیش گرفتند به طوری که هنوز سال دهم به پایان نرسیده بود وارد مدینه شدند. و چندی بعد رسول

۱. برای اطلاع بیشتر از خطبه‌ی رسول خدا ﷺ در روز غدیر و تفصیل ماجرا بنگرید به: الغدیر ۳۱/۱-۳۴، ترجمه‌ی فارسی سیره‌ی المصطفی/۶۹۳، نقل از منابع مختلف اهل سنت، ارشاد شیخ مفید ۱/۱۶۵، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام/۵۱۲-۵۱۸.

خدا سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام به بستر بیماری افتاد که به رحلت آن سرور انجامید، در صورتی که اندکی قبل از آن تکلیف جانشین و رهبری پس از خود را تعیین کرده بود.

بررسی‌هایی دربارهٔ حادثهٔ غدیر خم

۱- جایگاه واقعهٔ غدیر در منابع اسلامی

آنچه در ماجرای غدیر خم قابل توجه است، نزول دو آیه از قرآن کریم دربارهٔ این حادثهٔ بزرگ است. این آیات، آیهٔ ۶۷ از سورهٔ مائده معروف به «آیهٔ تبلیغ» و آیهٔ سوّم از همین سوره معروف به «آیهٔ اکمال» است. با توجه به این دو آیه، بحث غدیر وارد حوزهٔ تفسیر شده و توجیّهای مختلفی را از سوی مفسّران شیعه و سنی به وجود آورده است. علاوه بر آن واقعهٔ غدیر عرصهٔ منابع حدیثی، تاریخی، کلامی و حتی ادبی را در نوردیده و جایگاه وسیعی را در این منابع به خود اختصاص داده است.

مطابق تحقیقات علامهٔ امینی، ۱۱۰ نفر در طبقهٔ اصحاب پیامبر ﷺ و ۸۴ نفر در طبقهٔ تابعین - که شاگردان صحابه بوده‌اند -

به نقل این واقعه پرداخته‌اند. و علاوه بر آن ۳۶۰ تن از دانشمندان اسلامی در قرن‌های مختلف واقعه غدیر را به شکل مفصل یا مختصر در کتاب‌های خود آورده‌اند.^۱

طبقه دیگری که به این رویداد تاریخی توجه کرده‌اند، شعرا و نویسندگان بوده‌اند که در هر عصر و زمان با الهام از این واقعه، زیباترین قطعه‌های ادبی و قصاید خود را سروده و آنها را به ارمغان تاریخ گذاشته‌اند. از این جهت می‌توان گفت: کمتر واقعه تاریخی در جهان بسان رویداد «غدیر» مورد توجه طبقات مختلف از محدث و مفسر و از متکلم و فیلسوف، از خطیب و شاعر و از مورخ و سیره نویس قرار گرفته و این اندازه به آن عنایت شده است. چنانکه گذشت یکی از علل ابدیت و جاودانی بودن این حدیث، نزول دو آیه از آیات قرآن پیرامون این واقعه است. و تا روزی که قرآن ابدی و جاودانی است، واقعه غدیر نیز ابدی بوده و از خاطره‌ها محو نخواهد شد.^۲

دلیل دیگر در زنده‌بودن این حادثه تاریخی، بزرگداشت سالروز این واقعه به عنوان یکی از اعیاد اسلامی در بین مسلمانان است.

۱. بنگرید به: الغدیر ۴۰/۱-۲۴۰.

۲. فرازهایی از تاریخ اسلام/۵۱۴.

غدیر در آیین قرآن و روایات / ۲۵

بسیاری از دانشمندان اسلامی از جمله ابن خلکان در «وفیات الاعیان» و ابوریحان بیرونی در «آثار الباقیه» عید غدیر را از جمله عیدهایی بر شمرده‌اند که همه مسلمانان بر پا می‌داشتند و جشن می‌گرفتند.^۱

علاوه بر کسانی که در منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی و کلامی به بحث دربارهٔ واقعهٔ غدیر پرداخته‌اند، تعداد ۲۶ نفر از دانشمندان اسلامی کتب مستقلی در این باره تألیف کرده‌اند که نام آنها و خصوصیات آثارشان در جلد نخست کتاب الغدیر آمده است. اما بدون تردید جامعترین اثری که دربارهٔ واقعهٔ غدیر خم تألیف شده، کتاب «الغدیر» است که به قلم محقق بزرگ شیعه آیت‌الله عبدالحسین امینی نگارش یافته است؛ به‌طوری که مطالعهٔ این کتاب و تأمل در مباحث گوناگون آن حجت را بر هر خواننده‌ای در موضوع ولایت و جانشینی علی علیه السلام تمام می‌کند.

۲- بازتاب واقعهٔ غدیر در تفاسیر قرآن

الف - تفاسیر شیعه

مفسران شیعه در ذیل تفسیر آیات «تبلیغ» و «اکمال دین» این دو آیه را با امامت علی علیه السلام منطبق دانسته و در این خصوص

۱. همان مأخذ/ ۵۱۵.

مباحث متنوعی را درج کرده‌اند. در این مباحث هم به روایاتی که از ناحیه پیامبر ﷺ و امامان مذهب وارد شده، استناد شده است و هم به شیوه کلامی استدلال‌هایی در اثبات امامت علی‌علیه‌السلام آورده شده است، به طوری که ارتباط هر دو آیه با امامت علی‌علیه‌السلام مبرهن می‌شود.

به عنوان مثال در تفسیر عیاشی که از قدیمی‌ترین تفاسیر شیعه بوده و رنگ روایی دارد چندین روایت در ارتباط آیات تبلیغ و اکمال دین با ولایت و رهبری علی‌علیه‌السلام نقل شده است. از جمله در یکی از این روایات از قول ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری آمده است که:

«خداوند به پیامبر ﷺ خود فرمان داده بود که علی‌علیه‌السلام را به جانشینی خود منصوب سازد و مردم را از ولایت او باخبر سازد، اما پیامبر ﷺ نگران بود که مردم بگویند او از پسر عموی خود حمایت کرده و در نتیجه سر به طغیان گذارند؛ تا آن که خداوند آیه:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...».

را نازل ساخت و پس از آن پیامبر ﷺ در روز غدیر خم ولایت

علی علیه السلام اعلام فرمود».^۱

مفسر بزرگ اسلام مرحوم طبرسی پس از نقل همین روایت در تفسیر مجمع البیان می نویسد: «این روایت را به همین شکل ابوالقاسم حسکانی در کتاب «شواهد التنزیل» ذکر کرده است. و علاوه بر آن ثعلبی در تفسیر خود این حدیث را با سندی که به ابن عباس می رسد، آورده است».^۲

طبرسی سپس می افزاید: «روایات وارده درباره حدیث غدیر از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در حدّ شهرت (و تواتر) است و حاصل این روایات آنکه: رسول خدا صلی الله علیه و آله نگران بود که اعلام جانشینی علی علیه السلام برای عده ای از اصحاب امری سنگین و غیر قابل تحمّل باشد؛ تا آنکه خداوند این آیه را (آیه تبلیغ) نازل ساخت و در آن رسول خود را ترغیب و دلگرم ساخت که به این کار اقدام کند. بنابراین مفهوم آیه چنین می شود که: اگر تبلیغ آنچه را بر تو نازل شده ترک کنی و آن را پنهان بداری، گویی - از جهت مستحق عقوبت و مجازات شدن - چیزی از پیامهای پروردگارت را نرسانده باشی».^۳

۱. تفسیر عیاشی ۳۶۰/۱.

۲. مجمع البیان ۳/۳۴۴.

۳. همان مأخذ ۳/۳۴۴.

پس از آن که رسول خدا ﷺ رسالت خود را در معرفی علی علیه السلام به جانشینی خود به پایان برد آیه:

«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

و...».

نازل گردید. عیاشی در ذیل همین آیه روایتی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که در آن به زراره فرمود: «آخرین فریضه و امر واجبی که خداوند نازل کرد ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام بود. و سپس این آیه نازل گشت که: «الیوم اکملت لکم دینکم...». و بعد از این موضوع خداوند فریضه‌ای نازل نکرد تا آنکه رسول خدا ﷺ از دنیا برفت».^۱

طبرسی نیز به نقل از منابع اهل سنت همین مطلب را از قول ابو سعید خدری نقل کرده و به دنبال آن افزوده است که با نزول آیه اکمال رسول خدا ﷺ فرمود:

«الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة و مرضا الرب

برسالتی و ولایة علی بن ابی طالب من بعدی».^۲

۱. تفسیر عیاشی ۳۲۱/۱.

۲. مجمع البیان ۲۴۶/۳.

نکات مهم و قابل توجّه در تفسیر آیه تبلیغ

به عقیده مفسّران شیعه^۱ در خود آیه تبلیغ نکات مهمی وجود دارد که ارتباط این آیه را با موضوع جانشینی علی علیه السلام قطعی و مسلم می‌کند. برخی از این نکات عبارتند از:

۱- در آیه تبلیغ به مسأله مهمی اشاره شده است که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به گوش مردم نرساند، رسالت پروردگار را ابلاغ نکرده است. و به عبارت دیگر این مسأله چیزی معادل نبوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است که در صورت عدم ابلاغ آن اصل رسالت ناقص می‌شده است. چرا که می‌فرماید:

«وَأَنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ».

یعنی: اگر این کار را نکنی رسالت او را ادا نکرده‌ای.

۲- این مسأله چیزی از قبیل نماز، روزه، حج و سایر عبادات اسلامی و یا اعتقادات دینی مثل توحید و معاد نبوده است. زیرا آیه تبلیغ در سوره مائده قرار دارد و سوره مائده در شمار آخرین سوره‌هایی است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید و حتی طبق برخی از روایاتی که در تفاسیر شیعه و سنی آمده است، آخرین

۱. برای اطلاع بیشتر از این نکات بنگرید به: تفسیر المیزان ۶۷/۵-۸۵،

پیام قرآن ۱۹۰/۹، بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن/۱۳۱.

سوره‌ای است که بر پیامبر ﷺ نازل شد^۱ و تا این تاریخ تمام احکام عبادی و مسائل حلال و حرام نازل شده و به مردم ابلاغ گردیده بود.

۳- مسأله مورد نظر در آیه تبلیغ، مسأله‌ای خطیر بوده است؛ گونه‌ای که رسول خدا ﷺ در ابلاغ آن واهمه داشت و نگرانیها و ملاحظات را مدّ نظر قرار داده بود. لذا خداوند با پیام: «وَاللّٰهُ بِعَصْمِكَ مِنَ النَّاسِ»، حمایت خود را از پیامبر ﷺ اعلام نمود و در ابلاغ آن مسأله از سوی حضرتش دستور قطعی داد.

۴- کسانی که رسول خدا ﷺ نگران مخالفت و احتمالاً شورش آنها بوده است، مشرکان قریش نبوده‌اند. چرا که در این زمان پیامبر ﷺ بر جزیره العرب سیطره داشت و با برچیده شدن بت پرستی در سال هشتم هجری، دیگر اثری از نفوذ و قدرت مشرکان بر جای نمانده بود. و نیز آنان مخالفان پیامبر ﷺ از اهل کتاب نبوده‌اند. چرا که در پایان عمر رسول خدا ﷺ اهل کتاب نیز قدرت و نفوذی در عربستان نداشتند؛ بخصوص که یهودیان در نبردهای مختلف خود با مسلمانان قلع و قمع شدند و نفوذ آنها از عربستان

۱. از جمله بنگرید به تفسیر تبیان شیخ طوسی ۴۱۳/۱، تفسیر ابن کثیر ۳/۲.

برچیده شد.^۱

بنابر این مصداق «ناس» در عبارت قرآنی: «والله یعصمک من الناس»، کسانی جز منافقان درون جامعه اسلامی نبوده‌اند که با حساسیت فراوان تحولات اجتماعی را دنبال کرده و نگران رهبری جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ بوده‌اند و پیامبر اسلام ﷺ در معرفی علی علیه السلام به جانشینی خود، از مخالفت گروه دیگری غیر از آنان واهمه نداشته است.

۵- نتیجه: با توجه به نکات فوق روشن می‌شود که تنها مسأله مهم که ابلاغ آن تا آن زمان به صورت همگانی و علنی صورت نگرفته بود، مسأله رهبری امت اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ و معرفی مصداق آن یعنی علی علیه السلام بوده است. و از آنجا که امامت و رهبری، اصلی در طول نبوت و رسالت به شمار می‌رود، خدای متعال به رسول خود اخطار نمود که:

«وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس».

و پیامبر گرامی ﷺ با مقدمه‌های مناسبی که در حدیث غدیر وجود دارد - مثل **ایها الناس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم** - به انجام

۱. در این باره بحث بیشتری از نظر خواهد گذشت.

رسالت الهی خود مبادرت ورزید.

۶- و آخرین نکته آنکه: به تناسب آیه تبلیغ که در آن خداوند

می فرماید: «و ان لم تفعل فما بلغت رسالت»،

پس از آنکه رسول خدا ﷺ علی را به جانشینی خود معرفی

نمود، آیه: «اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي

و...»، نازل گردید که نشان می دهد پیامبر ﷺ بدون واهمه به ابلاغ

اوامر الهی اقدام نمود و در نتیجه مسأله کمال دین و تمام شدن

نعمتهای الهی به مسلمانان در همان حیات پیامبر ﷺ تحقق یافت.

ب- تفاسیر اهل سنت

مفسران اهل سنت در تفسیر آیه تبلیغ بر دو مطلب بیشتر

تأکید کرده اند که عبارتند از:

۱- آیه تبلیغ در مکه و در ابتدای دعوت پیامبر اسلام ﷺ

نازل گردید و هدف از نزول آن، ترغیب رسول خدا ﷺ به ابلاغ

آیات و احکام الهی به مشرکان بوده است. و با توجه به سیطره کفار

و مشرکان در مکه، خداوند به رسول خود وعده داد که او را از شرّ

دشمنانش حفظ کند.

۲- آیه تبلیغ در مدینه نازل شده و با نزول آن رسول

گرامی ﷺ موظف گردید که حقایق اسلام را بدون واهمه به اهل

کتاب ابلاغ کند. خدای متعال نیز وعده فرمود که پیامبر خود را از کید یهود و نصارا حفظ نماید.

قابل ذکر است که علاوه بر این دو نظر، احتمالات دیگری نیز در تفاسیر اهل سنت آمده است که اکثر آنها بر نزول آیه تبلیغ در مدینه دلالت می‌کند. به عنوان مثال فخر رازی در تفسیر آیه تبلیغ ده احتمال را ذکر کرده و از جمله در احتمال دهم می‌نویسد: «این آیه در فضیلت علی بن ابی طالب علیه السلام نازل گردید و پس از نزول آن، پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی را گرفت و فرمود:

من كنت مولا فهذا علي مولا. اللهم وال من والاه وعاد من

عاداه.

در اینجا بود که عمر با علی علیه السلام ملاقات کرد و گفت: ای پسر ابوطالب! این مقام گوارای تو باد که مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شدی.»، فخر رازی سپس ادامه داده است: «این مطلب از ابن عباس، براء بن عازب و محمد بن علی امام باقر علیه السلام روایت شده است.^۱

فخر رازی پس از آن نظر انتخابی خود را به این صورت ذکر

۱. تفسیر مفاتیح الغیب ۵۰/۱۲.

کرده است: «روایات و نظرات در باب آیه تبلیغ گرچه فراوان است. اما اولی آن است که بگوئیم خداوند پیامبر خود را از مکر یهود و نصارا در امان نگه داشت و به او فرمان داد تا بدون واهمه به تبلیغ حقایق دینی بپردازد. دلیل این نظر آن است که آیات قبل و بعد از آیه تبلیغ درباره اهل کتاب است و بعید است که این آیه از نظر موضوع از آیات قبل و بعد از خود منقطع و بیگانه باشد.»^۱

از مفسران دیگر که درباره آیه تبلیغ سخن رانده است، شیخ محمد عبده در تفسیر المنار است. او بر خلاف فخر رازی معتقد است که آیه تبلیغ در مکه نازل گشت و هدف از نزول آن ابلاغ فرامین و احکام الهی به مشرکان بوده است. سخن صاحب تفسیر المنار چنین شروع می شود:

«آنچه به ظاهر از آیه تبلیغ به ذهن متبادر می شود آنکه رسول خدا ﷺ در اوایل دعوت خود مأمور گردید که اسلام را در بین عموم مردم تبلیغ کند؛ چنانکه مفسران، خصوصاً در تفاسیر روایی به این مطلب تصریح کرده اند. اگر این فرض صحیح نباشد، احتمال دارد مراد از آیه، ابلاغ حقایق اسلام به اهل کتاب باشد؛ اهل کتابی که در آیات بعد سخن از آنان رفته است. گویی که خداوند فرموده است:

۱. تفسیر مفاتیح الغیب ۵۰/۱۲.

«بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ فِي شَأْنِ أَهْلِ كِتَابٍ»^۱

قابل توجّه است که شیخ محمد عبده نیز - همانند فخر رازی - در تفسیر خود به طرح ماجرای غدیر خم پرداخته و این جریان را به عنوان یک واقعه تاریخی تأیید می‌کند، اما در عین حال تلاش کرده است که اولاً: رابطه آیه تبلیغ را با ماجرای غدیر خم مورد انکار قرار دهد. و ثانیاً: در حدیث:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» مولی را به معنی دوست و

یاور تفسیر کند.^۲

و چنان که می‌دانیم این عقیده، دیدگاه اکثر علمای اهل سنت است که بدون آنکه به نفی ماجرای غدیر خم بپردازند، عملاً تلاش می‌کنند که ارتباط واقعه غدیر را با امامت و رهبری علی عَلَيْهِ السَّلَام انکار کرده و آن را در حدّ سفارش پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دوستی با علی عَلَيْهِ السَّلَام تنزّل دهند.

۱. تفسیر المنار ۶/ ۴۶۷.

۲. همان مأخذ ۶/ ۴۶۵.

نقد و بررسی عقاید مفسران اهل سنت در باره آیه تبلیغ

۱- بررسی فرض نخست: نزول آیه در مکه

عده‌ای از مفسران بر این عقیده‌اند که آیه تبلیغ در مکه نازل شده و هدف از نزول آن سفارش خداوند به رسول خود در تبلیغ احکام دین به مشرکان بوده است. به عقیده آنان از آنجا که رسول خدا ﷺ در مکه در شرایط ضعف به سر می‌برد لازم بود که خداوند آن حضرت را از حمایت خود مطمئن ساخته و نسبت به ابلاغ حقایق اسلام به مشرکان دلگرم سازد.

این مفسران در تأیید نظر خود به روایاتی استناد کرده‌اند که بر مسئولیت ابوطالب در حفاظت از جان پیامبر ﷺ دلالت می‌کند. در یکی از این روایات آمده است: «هرگاه رسول خدا ﷺ از منزل خارج می‌گشت، ابوطالب عده‌ای را به دنبال او گسیل می‌داشت که

از وی مراقبت کنند؛ تا آن که آیه: «وَاللّٰهُ يَعْصَمُكَ مِنَ النَّاسِ» نازل گردید. در این زمان پیامبر ﷺ به عموی خود گفت: ای عمو خداوند مرا حفظ می کند و دیگر نیاز نیست که کسی را به مراقبت از من بگماری.^۱ و مطابق روایت دیگر پیامبر ﷺ فرمود:

«خداوند مرا از شر جن و انس حفظ می کند»^۲ و از اینجا روشن می شود که پیامبر اسلام ﷺ در مکه بدون خوف و واهمه به ادای رسالت الهی خود مشغول گردید.

اما به دلایلی باید گفت که این نظر یعنی مکیّ النّزول بودن آیه تبلیغ و مسأله حفاظت از جان رسول خدا ﷺ در مکه و متنفی شدن مراقبت از آن حضرت آنهم به دلیل: «وَاللّٰهُ يَعْصَمُكَ مِنَ النَّاسِ» نظریه باطلی است و مهمترین این دلایل به قرار زیر است:

الف - سورة مائدۀ به اتفاق نظر مفسران در مدینه نازل شده است؛^۳ و بلکه از آخرین سوره های نازلۀ در مدینه است.^۴

۱. تفسیر ابن کثیر ۸۱/۲.

۲. تفسیر ابن کثیر ۸۱/۲.

۳. ثعالبی در تفسیر خود نوشته است: «هذه السورة مدینة بالاجماع» ۴۰۴/۱.

۴. تفسیر تبیان ۴۳۳/۱.

بنابراین چگونه ممکن است که آیه تبلیغ در مکه نازل شده باشد؟ برخی از مفسران در پاسخ این سؤال گفته‌اند: «سورۀ مائده در مدینه نازل شده به استثنای آیاتی از آن که در مکه نازل شده است» و مقصودشان همان آیه تبلیغ یا آیه اکمال است.^۱ اما در نقد این پاسخ باید گفت که در اثبات این ادعا نه دلیل قطعی از روایات وجود دارد و نه دلیل قانع‌کننده از ادله عقلی. زیرا به فرض که آیه تبلیغ در مکه نازل شده و در اواخر عمر رسول خدا ﷺ در سورۀ مائده جا گذاری شده باشد، سؤالی که مطرح است آن‌که: در این سالهای نسبتاً طولانی این آیه در کجا قرار داشته و به چه شکل قرائت می‌شده است؟ آیا پیامبر ﷺ این آیه را بایگانی فرمود تا دیگر آیات سورۀ مائده نازل شود و آن وقت آیه را در ردیف آیات سورۀ مائده قرار دهد؟

این سؤالی است که در برابر آن پاسخ روشن و قانع‌کننده‌ای وجود ندارد. به همین دلیل ابن کثیر دمشقی پس از نقل حدیث مربوط به مراقبت از رسول خدا ﷺ در مکه و نزول: «والله یعصمک من الناس» نوشته است: «هذا حدیث غریب و فیه نکاره فان هذه

۱. از جمله بنگرید به تفسیر البحر المحیط ۳۲۳/۴، تفسیر معالم التنزیل ۵/۲.

الآیه مدنیة و هذا الحدیث تقتضی انها مکّیة». یعنی: این روایت حدیث غریبی است و خلاف مشهور است. زیرا آیه تبلیغ مدنی است در صورتی که مقتضای حدیث آن است که آیه در مکه نازل شده باشد.^۱

ابن کثیر در نقد دومین روایت مربوط به مراقبت از جان پیامبر و نزول: «والله یحصک من الناس» نیز می نویسد: «این حدیث هم حدیث غریبی است. نظر صحیح آن است که آیه تبلیغ در مدینه نازل شده، بلکه این آیه از آخرین آیاتی است که از قرآن نازل شده است. و خدا به حقایق آگاهتر است.»^۲

ب - این مطلب که آیه تبلیغ در مکه نازل شده و به دنبال آن، اولاً: رسول خدا ﷺ موظف به ابلاغ احکام الهی به مشرکان گردید، و ثانیاً: خداوند به پیامبر ﷺ وعده فرمود که آن حضرت را از شرّ کافران مکه حفظ کند، مطلب قابل قبولی نیست و دلیل آن نقض هر دو فرض یاد شده به وسیله آیات دیگری از قرآن است. زیرا در قرآن کریم به خصوص در سوره های مکی آیات بسیاری وجود دارد که در آن آیات خداوند رسول خود را مأمور ابلاغ آیات وحی به

۱. تفسیر ابن کثیر ۸۱/۱.

۲. همان مأخذ.

مشرکان ساخته و به آن حضرت وعده حمایت و یاری در مقابل توطئه دشمنان داده است. دو نمونه از این وعده‌ها در سوره‌های علق و حجر وجود دارد که هر دو از قدیمی‌ترین سوره‌های نازل شده در مکه می‌باشد.

در سوره حجر آمده است: «فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین انا کفیناک المستهزئین الذین یجعلون مع الله الها آخر فسوف یعلمون».^۱

یعنی: آنچه را ماموریت داری، آشکارا بیان کن و از مشرکان روی گردان. ما شرّ استهزا کنندگان را از تو دفع خواهیم کرد؛ همانا که معبود دیگری با خدا قرار دادند. اما به زودی خواهند فهمید.

ابن کثیر در تفسیر این آیه از قول عبدالله بن مسعود آورده است: رسول خدا ﷺ مخفیانه به دعوت خود ادامه می‌داد تا آنکه

آیه: «فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین» نازل گردید. در اینجا بود که آن حضرت و مسلمانان دعوت خود را علنی ساختند.^۲ او

سپس در تفسیر: «و اعرض عن المشرکین انا کفیناک المستهزئین» نوشته است: «مفهوم این دو آیه آن است که: آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده به مردم ابلاغ کن و به مشرکان که

۱. سوره حجر ۹۴-۹۶.

۲. تفسیر ابن کثیر ۵۷۹/۲.

درصدد باز داشتن تو از ابلاغ آیات الهی هستند توجّه مکن و از آنها مترس؛ که خداوند تو را کفایت خواهد کرد.^۱

با توجّه به این آیات که در آن خداوند حمایت قاطع خود را از رسول خدا ﷺ در مکه اعلام کرده است، قابل قبول نخواهد بود که تصوّر کنیم رسول خدا ﷺ در انجام مأموریت الهی خود قصور ورزید و یا نسبت به وعده خداوند در حفظ خودش از شرّ کافران نامطمئن بوده است، به طوری که با نزول آیه تبلیغ در مکه بار دیگر بر ابلاغ دستورهای خداوند به مشرکان و محفوظ ماندن رسول خدا ﷺ از توطئه‌های دشمنان تأکید شود.

۲- بررسی فرض دوّم: نزول آیه درباره اهل کتاب

پاره‌ای از مفسّران اهل سنت بر این باورند که آیه تبلیغ درباره ابلاغ حقایق دینی به اهل کتاب نازل گردید. مهمترین دلیل این مفسّران، قرار گرفتن آیه تبلیغ در سیاق آیاتی است که در آن مطالبی نسبت به اهل کتاب طرح شده است. فخر رازی این عقیده را به عنوان رأی مختار خود انتخاب کرده است.^۲ و به تبع او ابوحنّیّان توحیدی نیز در تفسیر: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ...» می‌نویسد:

۱. همان مأخذ ۵۸۰/۲.

۲. تفسیر مفاتیح الغیب ۵۰/۱۲.

«ای ما انزل الیک من الرّحمہ و القصاص الذی غیرہ الیہود فی التّوراة و النصارى فی الانجیل»^۱ یعنی: ای پیامبر آنچه از احکام سنگسار کردن و قصاص نمودن بر تو نازل شده، ابلاغ کن؛ همان احکامی که یهودیان نسبت به تورات و نصارا نسبت به انجیل تغییر داده‌اند. ابو حیّان در ادامه می‌افزاید: «آنچه از ظاهر آیه استفاده می‌شود آنکه: خداوند پیامبر ﷺ خود را از مکر یهود و نصارا در امان نگه داشت و به او فرمان داد که به تبلیغ هر آنچه از قرآن دربارهٔ آنها نازل شده اقدام کند بدون آنکه به احدی از آنان توجّه کند. زیرا کلام قبل و بعد از این آیه دربارهٔ اهل کتاب است و بعید است که این آیه از نظر مفهوم بیگانه از آیات قبل و بعد از خود باشد»^۲

اما به دلایل زیر این احتمال نیز احتمال درستی نیست:

الف- نه تنها مفسّران شیعه بلکه بسیاری از مفسّران اهل سنت نیز بر این مطلب تصریح کرده‌اند که آیه تبلیغ در اواخر عمر رسول خدا ﷺ و مشخصاً در حجّة الوداع نازل شده است^۳ و اهل

۱. تفسیر البحرالمحیط ۳۲۱/۴.

۲. همان مأخذ و همان صفحه.

۳. از جمله بنگرید به مجمع البیان ۳/۳۴۴، غرائب القرآن نیشابوری

۶۱۶/۲، فتح القدير ۶۰/۱.

کتاب در این زمان در موقعیتی نبوده‌اند که رسول خدا ﷺ در ابلاغ حقایق اسلام، از آنان واهمه کند.

جهت اطلاع بیشتر یادآور می‌شویم که: یهود و نصارا اصولاً نه در مکه و نه در مدینه قدرت و نفوذ چندانی نداشتند که بتوانند در مقابل پیشرفت اسلام سدّی به شمار آیند. مقارن با بعثت رسول خدا ﷺ چند طایفه یهودی در مدینه زندگی می‌کردند؛ امّا آنان از نظر قدرت در اقلیت به سر می‌بردند؛ به طوری که همواره منتظر بودند تا پیامبر خاتم ظهور کرده و آنان با کمک این پیامبر بر کافران (از اوس و خزرج) پیروز شوند.^۱

پس از آن که رسول خدا ﷺ به مدینه هجرت نمود، در عهدنامه‌ای که بین مهاجرین و انصار و طوایف مستقر در مدینه منعقد فرمود، حقوق طوایف یهودی را محترم شمرد،^۲ امّا پس از چندی آنان به توطئه چینی پرداخته و حتّی با مشرکان قریش و منافقان مدینه - بر ضدّ مسلمانان - هم پیمان شدند. در اینجا بود که جنگ‌هایی بین مسلمانان و یهودیان اتفاق افتاد که مهمترین این

۱. سوره‌ی بقره آیه‌ی ۸۹ درباره‌ی این یهودیان می‌فرماید: «و لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلِ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا...».

۲. سیره‌ی ابن هشام ۱۴۷/۲ - ۱۵۰.

جنگ‌ها غزوه بنی قریظه و غزوه خیبر می‌باشد. نتیجه این جنگ‌ها چیزی جز شکست و آوارگی برای یهودیان و به عبارتی برچیده شدن نفوذ آنان از عربستان نبود^۱ که این موضوع در سال هفتم هجری اتفاق افتاد.

درباره مسیحیان نیز باید گفت: این عده اساساً در عربستان و به‌ویژه مدینه سکونت نداشته‌اند و تنها در سال نهم هجری گروهی از مسیحیان نجران به مدینه آمدند و در جریان دعوت پیامبر اسلام ﷺ قرار گرفتند. و چنانکه معروف است بین آنان و رسول خدا ﷺ ابتدا توافقی نسبت به اجرای مباحله به‌عمل آمد^۲ اما در روز مباحله مسیحیان از این کار منصرف شدند و به پرداخت جزیه راضی گشتند.

با توجه به این شواهد تاریخی، چگونه ممکن است که در آیه تبلیغ، رسول خدا ﷺ مأمور به ابلاغ حقایق دین به اهل کتاب باشد، حال آن که یهود و نصارا مقهور پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان بوده‌اند! به طوری که در برخی از سوره‌ها بر خواری و ذلت آنها تأکید شده،^۳ در پاره‌ای دیگر از سوره‌ها عقاید آنان مورد انکار و

۱. بنگرید به: سوره‌ی احزاب/ ۲۶ و ۲۷، سوره‌ی حشر/ ۲.

۲. سوره‌ی آل عمران/ ۶۱، معروف به آیه‌ی مباحله.

۳. از جمله آیه‌ی سوره‌ی بقره که می‌فرماید: «وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةَ وَ الْمُسْكِينَةَ وَبَاءُوا بِغَضَبِ مِنَ اللَّهِ...» و نظیر آن: سوره‌ی آل عمران/ ۱۱۲.

تخطئه قرار گرفته،^۱ و حتی در پاره‌ای از آیات قرآن بر جنگ با اهل کتاب (مرتدان و توطئه‌گران آنان) تا راضی شدن به پرداخت جزیه فرمان داده شده است.^۲

ب- این مطلب که چون آیه تبلیغ در بین آیاتی است که درباره اهل کتاب مطالبی را بیان می‌کند پس به ناچار مرتبط با اهل کتاب است؛ ضرورتاً مطلب درستی نیست. زیرا چنانکه روشن است نزول آیات قرآن و تکمیل شدن سوره‌ها - خصوصاً سوره‌های بزرگ مدنی - امری تدریجی بوده است. و نکته دیگر آنکه: قرار گرفتن آیات در ضمن یک سوره و به عبارتی ترتیب آیات یک سوره لزوماً به معنای ترتیب زمانی نزول آنها و یا مترتب بودن مطالب آنها نسبت به یکدیگر نیست. ترتیب آیات سوره‌ها اصطلاحاً امری توقیفی است که مطابق با صلاح‌دید رسول خدا ﷺ انجام یافته است.^۳ در پاره‌ای از موارد روابط آیات با یکدیگر امری واضح و روشن است و در پاره‌ای دیگر روابط و تناسب آیات برای ما مبهم و نامشخص می‌باشد. اما این موضوع که آیه تبلیغ به آیات قبل و

۱. از جمله بنگرید به آیات ۱۵۳ الی ۱۶۱ از سوره ی نساء، آیات ۶۳ به بعد از سوره ی مائده و سوره ی توبه آیات ۳۰ و ۳۱.
 ۲. سوره ی توبه/۲۹.

۳. تاریخ قرآن، دکتر رامیار/۵۷۴.

بعد از خود ارتباط دارد یا خیر، مطلبی است که در مباحث آینده به آن خواهیم پرداخت.

۳- تحقیقی درباره شأن نزول آیه تبلیغ

مفسران شیعه و سنی به عنوان صائب ترین نظر تصریح کرده اند که آیه تبلیغ در **حجة الوداع** نازل شده است. با این تفاوت که مفسران شیعه نزول آیه تبلیغ را در ارتباط با واقعه غدیر خم دانسته اند،^۱ در صورتی که برخی از مفسران اهل سنت اظهار کرده اند که آیه تبلیغ بنا به پاره‌ای از مناسبت‌ها - که خواهد آمد - در مدینه یا برخی از غزوات نازل شده است.^۲

علامه امینی در کتاب الغدیر با استفاده از مأخذ معتبر اهل سنت ثابت کرده است که ارتباط آیه تبلیغ و حادثه غدیر خم در بین اهل سنت نیز در حدّ قابل قبول بودن مطرح است.^۳ یعنی این

۱. بنگرید به: مجمع البیان ۳/۳۴۴، تفسیر نور الثقلین ۱/۶۵۱-۶۵۸ در روایات مختلف و نیز از مفسران اهل سنت بنگرید به: تفسیر فتح القدیر ۱/۶۰، تفسیر غرائب القرآن ۲/۶۱۶.

۲. بنگرید به تفسیر معالم التنزیل ۲/۵۲.

۳. الغدیر ۲/۸۸-۱۱۴ که با استفاده از ۳۰ مأخذ این مطلب را تحقیق کرده است.

موضوع تنها از ناحیه شیعیان ادعا نشده بلکه دانشمندان اهل سنت نیز نزول آیه تبلیغ را با واقعه غدیر خم مرتبط داشته و آن را در کتابهای خود نقل کرده‌اند. از جمله نیشابوری در تفسیر غرایب القرآن به عنوان نخستین احتمال از قول ابوسعید خدری نوشته است:

«این آیه در فضیلت علی بن ابی طالب و در روز غدیر خم نازل گردید و پس از آن رسول خدا ﷺ دست علی را گرفت و فرمود: «**من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه...**»^۱ از سوی دیگر برخی از مفسران اهل سنت کوشیده‌اند که رابطه نزول آیه تبلیغ و حادثه غدیر خم را مورد انکار قرار دهند. این مفسران درباره شأن نزول آیه تبلیغ مطالبی ذکر کرده‌اند که ابداً قابل توجه و اعتنا نمی‌باشد. فخر رازی در مقام نقل پاره‌ای از این احتمالات نوشته است:

- برخی گفته‌اند که آیه تبلیغ درباره ابلاغ حکم رجم و قصاص نازل گردید (آنهم با توجه به تحریف‌هایی که در این دو حکم واقع شده بود).

- برخی بر این باورند که آیه تبلیغ ناظر به عیجویی‌ها و

طعنهای یهودیان نازل گردید.

- برخی نزول آیه تبلیغ را مرتبط به اعلام حکم تخییر از سوی رسول خدا ﷺ به زنان خود دانسته‌اند.^۱

- برخی گفته‌اند که نزول آیه در ارتباط با ابلاغ حکم جهاد است که مورد نکاهت منافقان بوده است.^۲

در نقد اظهارات یاد شده باید گفت: هیچ یک از مطالب و یا احکام مذکور در این احتمالات، به گونه‌ای نیست که اولاً: ابلاغ نکردن آن عدم ابلاغ رسالت الهی تلقی شود؛ و ثانیاً: رسول خدا ﷺ در بیان اعلام آن ترس و واهمه‌ای به خود راه دهد و نیاز به وعده «والله يعصمك من الناس» داشته باشد. و گذشته از این به طوری که علامه امینی تذکر داده است هیچیک از احتمالات یاد شده مبتنی به حدیث و روایت صحیحی نبوده و فراتر از حدس و گمان نمی‌باشد.^۳

۱. مقصود از حکم تخییر آیات ۲۸ به بعد سوره‌ی احزاب است که در آن رسول خدا ﷺ همسران خود را بین طلاق و بهره‌برداری از زندگانی دنیا و نیز اختیار خدا و رسول و پیشه‌سازی قناعت مخیر ساخت.

۲. تفسیر مفاتیح الغیب ۴۹/۱۲ و تفسیر معالم التنزیل ۵۲/۲.

۳. الغدیر ۱۰۹/۲-۱۱۳.

احتمال نزول آیه تبلیغ در روز عرفه نیز احتمال قابل قبولی نیست. زیرا خطبه رسول خدا ﷺ در روز عرفه در اکثر کتابهای حدیثی و تاریخی ضبط شده است.^۱ در این خطبه رسول گرامی اسلام ﷺ مردم را مورد خطاب قرار داده و درباره مسائل اجتماعی و اخلاقی امور سودمندی را به مسلمانان تذکر داده است. این خطبه به نوعی جهان بینی اسلامی را در حوزه روابط اجتماعی در اسلام، رعایت حقوق مسلمانان نسبت به یکدیگر، حفظ تقوا و حدود الهی، رعایت حقوق و شخصیت زنان و مطالبی از این قبیل به دست می دهد. روشن است که تذکر این مطالب تا آن زمان امری بی سابقه نبوده است که رسول خدا ﷺ از اعلام آن واهمه نماید و نیاز به وعده الهی در مصونیت از شر مخالفان داشته باشد. ضمناً چنانکه می دانیم پس از آنکه رسول خدا ﷺ به مفاد آیه تبلیغ عمل نمود، آیه اکمال دین یعنی: «**الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ**...» نازل شد که مطابق تحقیقات به عمل آمده این آیه نیز پس از واقعه غدیر خم نازل گردیده است.^۲

۱. از جمله بنگرید به، الکافی ۴۰۳/۱، سنن ترمذی ۳۴/۵، سنن

دارمی ۷۴/۱ و سیره ابن هشام ۲۵۰/۴.

۲. الغدیر ۱۱۵/۲-۱۳۷.

۴- بررسی چند مسأله پیرامون آیه تبلیغ

الف- رابطه آیه تبلیغ با آیات قبل و بعد آن چیست؟

اکثر آیات سورۀ مائده درباره اهل کتاب نازل شده و آیه تبلیغ هم در بین این آیات قرار دارد. بر این اساس برخی از مفسران اهل سنت معتقدند که مفاد آیه تبلیغ نیز درباره اهل کتاب است؛ زیرا در غیر این صورت آیه تبلیغ از نظر مفهوم از آیات قبل و بعد از خود منقطع خواهد شد و چنین چیزی زیبنده قرآن نمی باشد.

اما به عقیده بسیاری از محققان آیه تبلیغ در عین آنکه درباره حادثۀ غدیر خم نازل شده است، با آیات قبل و بعد از خود نیز هماهنگ بوده و بدون ارتباط نمی باشد. به عنوان وجه تناسب و ارتباط می توان گفت که:

خداوند متعال در آیه ۵۱ از سورۀ مائده به مؤمنان تأکید کرده است که از ولایت یهود و نصارا احتراز کنند و به دنبال آن در آیات ۵۲ و ۵۳ از کسانی که تمایل به پذیرش ولایت آنان پیدا کرده اند، به شدت انتقاد فرموده است.

در آیه ۵۵ این سوره آیه معروف ولایت ذکر شده است که در آن بر ولایت خدا و رسول او و نیز مؤمنانی که نماز به پا می دارند و زکات پرداخت می کنند - در حالی که در رکوع به سر می برند - تأکید شده است.

در آیه ۵۷ این سوره قرآن مجدداً به مؤمنان تکلیف می‌کند که از پذیرش ولایت مسخره‌کنندگان در دین - اعم از اهل کتاب و کافران - خودداری کنند. و با چنین فضا و زمینه‌ای آیات سوره مائده ادامه پیدا می‌کند تا آنکه خداوند در آیه ۶۷ این سوره خطاب به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...».

و از آنجا که در آیات قبل به نوعی سخن از ولایت به میان آمده است، مفاد آیه تبلیغ نیز - چنان که به تفصیل گذشت - چیزی جز اعلام عمومی ولایت و رهبری علی‌علیه السلام نمی‌باشد. اما در آیه ۶۸ سوره مائده - یعنی یک آیه بعد از آیه تبلیغ - بار دیگر خطاب متوجه اهل کتاب شده و نسبت به آنان آمده است: «ای اهل کتاب، شما بر هیچ چیزی نیستید (آیین صحیحی ندارید) مگر آنکه تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده، به پا دارید و...».

به عقیده ما عمل به این آیه شریفه توسط اهل کتاب جز اعتراف به حقانیت رسول خدا ﷺ و ولایت علی‌علیه السلام نتیجه‌ای در بر ندارد. زیرا مطابق آیات قرآن، نشانه‌های پیامبر اسلام ﷺ در

تورات و انجيل مذکور بوده و اهل کتاب نیز به اين حقيقت واقف بوده‌اند، لکن آنان از باب حسادت و عناد به کتمان حقايق اقدام می‌نمودند^۱ و در واقع به نوعی خواهان ادامه سلطه و ولايت خود بودند.

با توجه به اين تحليل، چنان که برخی از مفسران نوشته‌اند: «مفاد آيه تبليغ دستوري است که از سوی خدا به پيامبر ﷺ برای اعلام استقلال مسلمانان از يهود و انتقال ولايت و خلافت از آنان به مسلمانان نازل شده و تأکید بر اينکه رسول خدا ﷺ اين مطالب را صريحاً به مردم ابلاغ کند و هراسی از دشمنان به دل راه ندهد که خداوند او را محافظت خواهد کرد. در اين صورت مراد از «الناس» (مردمی که بیم زیان رساندن از سوی آنان می‌رود) اعم از يهوديان و کافران و مسلمان نماهای منافق است؛ چرا که آنها فکر می‌کردند چون پيامبر پسر و جانشینی ندارد، با مرگ او همه چیز تمام می‌شود و آنها بار ديگر سلطه خود را پس از مرگ رسول خدا ﷺ باز خواهند يافت و بديهی است که آيات پيشين مبنی بر کنار گذاردن

۱. بنگريد به سوره اعراف آيه ۱۵۷ با فراز: «يجدونہ مکتوباً عندهم فی التّوراة و الانجيل» و سوره بقره آيه ۱۴۶ که می‌فرماید: «الذين آتيناهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم و...»

ولایت یهود و نصارا و تمسک به ولایت خدا و پیامبر و پس از پیامبر به ولایت علی علیه السلام دشمنان را سخت ناراحت سازد و در صدد توطئه بر آیند؛ چون این ابلاغ در واقع به منزله سلب ولایت و خلافت زمین از یهود و نصارا و انتقال آن به مسلمانان و ادامه آن بعد از پیامبر اکرم است.^۱

همچنین می‌توان آیه تبلیغ را زمینه و عاملی جهت مقایسه وضعیت احتمالی مسلمانان در آینده و سرنوشتی که یهودیان و نصرانیان بدان دچار شده، در نظر گرفت و از آن این پیام را دریافت نمود که: «ای رسول ما! امت اسلامی نیز مانند یهود و نصارا نیازمند آن هستند که بعد از تو مولا و رهبری داشته باشند تا از رهنمود او بهره‌ور گردند. اگر امت اسلامی بعد از تو بی‌مولا و رهبر بمانند به سرنوشتی بدتر و شوم‌تر از سرنوشت یهود و نصارا دچار خواهند گشت. از این رو مفاد آیتی را که از سوی پروردگارت بر تو نازل شد و اولین مولای مؤمنین را که بعد از تو باید بر مسند بنشیند و با ذکر یک نشانی به حضورت معرفی کرد، به مردم ابلاغ کن و آن کسی را که در حال رکوع انفاق می‌کرد (... والذین یؤتون الزکاة وهم مراعون، مائده/۵۵)

۱. تفسیر کاشف ۱۵۲/۳.

به مردم بشناسان».^۱

بدین ترتیب: «روابط و همگونی آیات نشان می‌دهد که آیه تبلیغ در عین ارتباط کامل با قوم یهود بر مهمترین چیزی که بر پیغمبر ﷺ نازل شده و نیز پیغمبر ﷺ مأمور به ابلاغ آن است یعنی اعلام پایان خلافت و ولایت یهود و آغاز ولایت خدا، رسول ﷺ و علی ﷺ دلالت می‌کند».^۲

ب- چرا پیامبر ﷺ از اعلام ولایت علی ﷺ، واهمه داشت؟

با وجود تأکیدهای مکرر رسول خدا ﷺ بر افضلیت علی ﷺ، در بین صحابه، به دلایل زیر مخالفت‌هایی با رهبری علی ﷺ وجود داشته است:

۱- علی ﷺ در بین اصحاب پیامبر ﷺ دارای فضایل و مناقبی است که احدی در آنها با آن حضرت شریک نمی‌باشد. علی ﷺ خود در سخنی شمار این فضایل را هفتاد مورد اعلام فرموده است.^۳ از جمله این فضایل نزول آیات و سوره‌هایی از قرآن در شأن آن حضرت است که به عنوان نمونه می‌توان به آیات لیلۃ

۱. معانی القرآن ۱/ ۱۱۸. و نیز بنگرید به پژوهشی درنظم قرآن / ۱۰۹.

۲. تفسیر کاشف ۳/ ۱۵۸.

۳. البیان ۲/ ۱۵۱، به نقل از معانی الاخبار صدوق.

المبیت، ولایت، مباحله، تطهیر، سورۀ دهر و... اشاره کرد.

خلق حماسه‌های بزرگ در جنگهای بدر، احد، احزاب، فتح مکه و انجام مأموریت‌های مهم مانند ابلاغ آیات ابتدای سورۀ توبه در جمع مشرکان، مأموریت یمن، ماندن در مدینه در جریان جنگ تبوک، شرکت در جریان مباحله، گوشه‌های دیگر از این فضایل اختصاصی را نشان می‌دهد.

در گفتگوی سعد بن ابی وقاص با معاویه، که مسلم در صحیح خود آن را نقل کرده است، آمده است که علی علیه السلام دارای سه فضیلت اختصاصی بوده است که سعد حاضر نبود یکی از این فضایل را (در صورتی که دارا بود) با شتران سرخ مو عوض کند. این فضایل از نظر سعد بن ابی وقاص نقش آفرینی علی علیه السلام در جنگ خیبر، شرکت علی علیه السلام، در جریان مباحله و صدور حدیث منزلت درباره او بود.^۱

بدیهی است که ظهور چنین فضایی در شخصیت علی علیه السلام زمینه ساز حسادت‌ها و رقابت‌های فراوان در مقابل علی علیه السلام می‌گردید و در شرایطی به بدگویی‌هایی درباره آن حضرت نیز می‌انجامید. با چنین زمینه‌ای طرح رهبری علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله چه

۱. صحیح مسلم ۴/۱۸۷۱.

واکنشی می توانست داشته باشد؟

۲- چنان که می دانیم علی علیه السلام در جنگهای اسلام (از جمله: بدر، احد، احزاب، حنین و...) بسیاری از پهلوانان قریش و سران شرک و کفر را به خاک افکند؛ کسانی که بعدها بستگانشان - پس از فتح مکه - به اسلام گرویدند. این موضوع چیزی نبود که خاطره آن به سرعت از اذهان زدوده شود؛ آن هم در بین اعراب که مهمترین عامل وحدتشان پیوندهای خونی و اتّحادهای قومی و قبیله‌ای بود. از این رو حتّی پس از برچیده شدن بت پرستی و مسلمان شدن بزرگان قریش از جمله ابوسفیان، کینه توزی قریش و به خصوص بنی امیه نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام از بین نرفت و آنان گرچه به ظاهر اسلام را پذیرفته بودند، اما همواره مترصد تصفیه حساب با رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان او بودند. حادثه رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز نشان داد که قریش مهمترین نقش را در تحولات جامعه اسلامی ایفا کرده و نه تنها اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که انصار مدینه را نیز از بسیاری از حقوقشان محروم نمود. در این شرایط رهبری علی علیه السلام که ادامه دهنده راه پیامبر صلی الله علیه و آله بود، برای قریش امری ناگوار به شمار می آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله نگران مخالفت علنی آنان و به طور کلی کارشکنی منافقان در معرفی علی علیه السلام به عنوان جانشین خود بود.

۳- علی علیه السلام در همان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان شخصیتی مؤمن

و سازش ناپذیر ظاهر گردید. رسول خدا ﷺ درباره او دعا فرمود که:

«اللهم ادمر الحق معه حيث دامر»^۱.

یعنی: خدایا حق را همواره با او قرار بده.

با توجه به این مطلب علی علیه السلام تجسم ایمان و محور حق و حقیقت بود و در راه رضای خدا و کسب خشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله از هیچ کوششی دریغ نمی کرد. روشن است که چنین شخصیتی برای بسیاری از بیمار دلان و نفاق پیشگان قابل تحمل نبود. بتدریج وجود مبارک علی علیه السلام به عنوان میزان و معیاری جهت تمایز مؤمنان از منافقان درآمد. چنانکه ابوسعید خدری می گوید: «ما جماعت انصار منافقان را از میزان بغضی که به علی علیه السلام داشتند می شناختیم»^۲.

با توجه به چنین شخصیتی از علی علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله می دانست که معرفی آن حضرت به عنوان جانشین خود خالی از دشواری نخواهد بود. ضمناً از سخنان برخی از مخالفان و رقیبان علی علیه السلام بر می آید که آنان جوانی علی علیه السلام را بهانه ای برای دور کردن آن حضرت از صحنه امامت

۱. سنن ترمذی ۵۲۲/۵.

۲. همان مأخذ ۵۹۳/۵.

عنوان کردند.^۱

ناگفته نماند که رسول خدا ﷺ به جهت تحکیم ارزش‌های اسلامی و از بین بردن فرهنگی که زائیدهٔ نظام جاهلیت بود، عملاً جوانان لایق را به مناصب حسّاس می‌گمارد که البته در بسیاری از مواقع نسبت به انتصابات رسول گرامی ﷺ واکنشهای مخالف به عمل می‌آمد. به عنوان مثال رسول خدا ﷺ در آخرین روزهای حیات خود به مسلمانان دستور داد تا در رکاب اُسامهٔ بن زید بسیج شوند و به سمت تبوک حرکت کنند، اما عدهٔ زیادی از مردم از این دستور تخلف کردند و جوانی اسامهٔ بن زید را بهانهٔ خود ساختند. رسول خدا ﷺ متخلفان را مورد لعنت قرار داد و با همان حال بیماری به مسجد آمده و پس از حمد و ثنای خدا چنین فرمود:

«هان ای مردم! من از تأخیر حرکت سپاه ناراحتم. گویا فرماندهی اسامه بر گروهی از شماگران آمده و زبان به انتقاد گشوده‌اید، ولی اعتراض و سرپیچی شما تازگی ندارد. شما قبلاً از فرماندهی پدر او «زید» هم انتقاد می‌کردید. به خدا سوگند هم پدر او شایستهٔ این منصب بود و هم فرزندش برای این مقام لایق و

۱. بنگرید به: الغدیر ۳۷۰/۲ و ۳۷۱، به نقل از شرح ابن ابی الحدید.

شایسته است».^۱

در جریان جنگ تبوک نیز رسول خدا ﷺ علی را به جای خود در مدینه قرار داد و خود با سپاهیان عازم تبوک گردید. منافقان که حضور علی را در شهر مانع اجرای نقشه‌های خود می‌دانستند، زبان به انتقاد گشودند و شایع نمودند که رسول خدا ﷺ علی را در ردیف زنان و کودکان قرار داده و به این جهت از همراه ساختن آن حضرت با خود صرف نظر کرده است. هنگامی که علی گزارش این شایعه پراکنی را به گوش رسول خدا ﷺ رساند، آن حضرت ضمن دل‌داری علی را مجدداً به مدینه باز گرداند و خطاب به او فرمود:

«انت منی بمنزلة هارون من موسى انا انه لا نبي بعدى».^۲

یعنی: تو نسبت به من همانند هارون نسبت به حضرت موسی هستی؛ با این تفاوت که پیامبری بعد از من نخواهد بود. طبیعی است که وقتی در حیات رسول خدا ﷺ چنین مواضعی نسبت به انتصاب‌های پیامبر ﷺ و به خصوص جانشینی علی وجود داشته باشد، میزان مخالفت‌ها در تعیین علی به

۱. به نقل از فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام/ ۵۲۲.

۲. صحیح مسلم ۱۸۷۱/۴.

عنوان جانشین دائمی رسول خدا ﷺ بیشتر خواهد بود. و این همان حقیقتی است که موجب نگرانی رسول خدا ﷺ بود و آن حضرت را در ابلاغ پیام الهی به صورت علنی دچار تردید می ساخت تا آن که خداوند با وعده: «**وَاللّٰهُ يَعْصَمُكَ مِنَ النَّاسِ**» به آن حضرت تکلیف نمود که در ادای رسالت الهی خود تعلل نکند که در غیر این صورت رسالت او ناقص خواهد بود.

ج- در حدیث غدیر «مولی» به چه معنی است؟

یکی از مسائلی که از دیر باز بین شیعه و سنی مطرح بوده است، بحث در مفهوم «مولی» است. به عقیده شیعه کلمه مولی در عبارت: «**مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ**» معنایی جز اولی به تصرف و رهبر ندارد؛ در حالی که مفسران اهل سنت کلمه «مولی» را به معنای ناصر و یاور دانسته اند.

صاحب تفسیر المنار در این زمینه می نویسد: «به عقیده اهل سنت حدیث غدیر خم بر ولایت سلطه که عبارت از امامت یا خلافت است، دلالتی ندارد. زیرا این لفظ به این معنا در قرآن وارد نشده است. بلکه مراد از ولایت در این حدیث ولایت نصرت و موَدّت است که خداوند با تعبیر: «**بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ**» آن را درباره مؤمنان و کافران به کار برده است. بنابراین معنی

حدیث چنین خواهد بود که: هر کس من دوست و ناصر او باشم، علی علیه السلام هم دوست و ناصر اوست. یا: هر کس که مرا دوست دارد و یاری می‌رساند، علی علیه السلام را هم دوست بدارد و یاری کند.^۱

در نقد این نظریه باید گفت: کلمهٔ مولی در زبان عرب به معنای گوناگونی استعمال شده است که از جمله می‌توان به معنای دوست، یاور، سید، مالک، صاحب پیمان و سرپرست و اولی به تصرف اشاره کرد. و در مواردی که یک کلمه در معانی مختلفی استعمال می‌شود، مطابق عرف حاکم در ادبیات، قرائن داخلی و خارجی کلام و سخن، تعیین کننده معنای واقعی آن کلمه خواهد بود. و با توجه به قرائتی که در حدیث غدیر وجود دارد، کلمهٔ مولی به معنایی جز سرپرست و رهبر نباید تفسیر شود. تعداد این قرائن بسیار زیاد است و مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر تا بیست قرینه از قرائن مختلف را بر شمرده است.^۲

در اینجا به مهمترین این قرائن اشاره می‌گردد:

۱. تفسیر المنار، ۴۶۵/۶.

۲. الغدیر ۳۳۹/۲-۳۶۴ تحت عنوان: قرائن معنیّه.

۱- بر خلاف نظر صاحب المنار نه تنها کلمۀ مولی از نظر لغوی به معنای اولی استعمال شده، بلکه در قرآن کریم نیز این کلمه در معنای «اولی» به کار رفته است. شاهد این مطلب آیه ۱۵ از سورۀ حدید است که می‌فرماید:

«فَالْيَوْمَ لَا يُوْخِذُكُمْ مِنْكُمْ فَدِيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوِيَكُمْ
الْأَمْرُ هِيَ مَوْلِيَكُمْ وَبُسُ الْمَصِيرِ».

یعنی: امروز از شما (منافقان) و نه از کافران، فدیۀ‌ای پذیرفته نمی‌شود. جایگاه شما آتش است و آتش اولی و سزاوارتر است به شما. و چه بد سرانجامی است.

چنانکه ملاحظه می‌شود لفظ مولی در این آیه نمی‌تواند به معنای دوست و یاور باشد بلکه به معنی اولی و سزاوارتر است و عدۀ بسیاری از مفسران در این آیه کلمۀ مولی را به همین معنا دانسته‌اند.^۱

۲- مسأله دوستی علی‌علیه‌السلام با مؤمنان و بالعکس مودّت مؤمنان با علی‌علیه‌السلام، مطلبی نبود که نیاز به تأکید و بیان داشته باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

۱. بنگرید به: الغدیر ۲/۲۹۷-۳۰۱ با عنوان مفعّل به معنای افعّل.

«والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض»^۱.

یعنی: مردان و زنان با ایمان برخی نسبت به دیگری ولی و یاور یکدیگرند.

و بالاتر از آن تصریح می‌کند که:

«انما المؤمنون اخوة»^۲.

یعنی: مؤمنان در حکم برادران یکدیگرند.

با توجه به این حقایق، چه معنا دارد که رسول خدا ﷺ کاروان عظیم همراهان خود را در بیابانی گرم و سوزان نگه دارد و تنها پیام دوستی با علی علیه السلام را ابلاغ فرماید؟!

۳- رسول گرامی اسلام ﷺ قبل از معرفی علی علیه السلام به عنوان

مولای مؤمنان، ابتدا مردم را مورد خطاب قرار داد که: «الست اولی

بکم من انفسکم؟»

یعنی: آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر

نیستم؟

و بعد از آن که مردم اقرار کردند که پیامبر از آنان به خودشان

۱. سوره ی توبه / ۷۱.

۲. سوره ی حجرات / ۱۰.

سزاوارتر است حضرت فرمود:

«من كنت مولاه فهذا علي مولاه».

به گفته علامه امینی اکثر قریب به اتفاق دانشمندانی که حدیث غدیر را روایت کرده‌اند، حدیث را با همین مقدمه - یعنی:

الست اولى بكم من انفسكم - ذکر کرده‌اند.^۱

با توجّه به این جمله رسول خدا ﷺ «مولی» معنایی جز اولى به تصرف نخواهد داشت. زیرا سخن رسول خدا ﷺ ناظر به

اختیاراتی است که مطابق آیه: «النبی اولى بالمؤمنین من انفسهم»^۲ خداوند برای رسول خود معین کرده است.

۴- تبریکهایی که مردم در این واقعه تاریخی به علی علیه السلام گفتند، مخصوصاً تبریک‌های عمر و ابوبکر، نشان می‌دهد که مسئله غدیر چیزی جز مسئله نصب علی علیه السلام به خلافت نبوده است. زیرا اعلام دوستی با علی علیه السلام مطلبی نیست که در خور تبریک عمومی مسلمانان باشد. به طوری که از روایات تاریخی بر می‌آید، عمر علی علیه السلام را ملاقات کرد و به او گفت:

۱. الغدیر ۲/ ۳۴۰.

۲. سوره احزاب/ ۶.

«هَنْبِئاً يَا بْنَ أَبِي طَالِبٍ! اصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ

مُؤْمِنَةٍ».^۱

یعنی: گوارا باد بر تو ای فرزند ابوطالب! تو مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان گشتی.

و نظیر این جمله از ابوبکر هم نقل شده است.

۵- اشعاری که در این باره سروده شده است گواه دیگری است که نشان می‌دهد سرایندگان این اشعار از کلمهٔ مولی دریافتی غیر از امامت و رهبری نداشته‌اند. مثلاً در اشعار حَسَّان بن ثابت آمده است که:

فَقَالَ لَهُ قُمْ يَا عَلِيُّ فَاَنْتَ مَرْضِيَّتِكَ مِنْ بَعْدِي اِمَاماً وَ هَادِياً

یعنی: پیامبر ﷺ به علیؑ گفت: برخیز، زیرا من تو را بعد از خودم امام و هادی انتخاب کرده‌ام.

علاوه بر اشعار روایاتی نیز از برخی صحابه نقل شده است که بر این مطالب تأکید می‌کند که بعد از نزول آیهٔ تبلیغ و حادثهٔ غدیر خم علیؑ به عنوان مولی و رهبر مؤمنان شناخته گردید.

۱. تفسیر مفاتیح الغیب ۵۰/۱۲.

۲. اعلام الوری ۲۶۳/۱.

سيوطی از ابن مسعود روايت می کند که او گفته است: «ما در زمان پیامبر ﷺ آیه تبليغ را به اين صورت می خوانديم: يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك - انّ علياً مولى المؤمنين - وان لم تفعل فما بلغت رسالته»^۱.
که البته مقصود ابن مسعود از «انّ علياً مولى المؤمنين» توضيح «ما انزل اليك» می باشد نه آنکه قسمتی از آیه حذف شده باشد.

۶- پس از جريان غدير خم آیه «اليوم اكملت لكم دينكم و...» نازل گرديد و اين مطلب خود قرينه ديگرى است که لفظ مولى در حديث غدير معنائى جز رهبرى و سرپرستى ندارد.
چه، کمال دين در گرو مشخص شدن وضعيت رهبرى جامعه پس از رحلت پیامبر ﷺ خاتم است و اعلام دوستى با على عليه السلام با تمام ارزشى که دارد، ارتباطى با کامل شدن دين خدا از هر جهت ندارد. از اين رو پیامبر اسلام در پى نزول آیه اکمال دين فرمود:

«الله اكبر! الله اكبر على اكمال الدين و اتمام النعمة و مرضا

۱. به نقل از القرآن الكريم و روايات المدرستين ۱۹۱/۲ و نیز تفسير فتح القدیر شوکانی ۶۰/۱.

الرّب برسالتی والولاية لعلی من بعدی»^۱

و در این جمله ولایت علی علیه السلام در طول رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله طرح شده که خود تأکیدی بر مفهوم رهبری برای واژه ولایت می نماید.

۱. اعلام الوری ۲۶۳/۱، تفسیر مجمع البیان ۲۶۴/۳.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- الارشاد، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید).
- ۳- اعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی.
- ۴- البیان فی تفسیر القرآن، آیه الله سید ابوالقاسم خویی.
- ۵- بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن، ولی الله نقی پورفر.
- ۶- پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)، ناصر مکارم و جمعی از نویسندگان.
- ۷- پژوهشی در نظم قرآن، عبدالهادی فقهی زاده.
- ۸- تاریخ قرآن، دکتر محمود رامیار.
- ۹- تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی.
- ۱۰- تفسیر تبیان، محمد بن حسن طوسی.
- ۱۱- تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی.
- ۱۲- تفسیر معالم التنزیل، حسین بن مسعود فرّاء بغوی.
- ۱۳- تفسیر الجواهر الحسان، عبدالرحمن ثعالبی.

- ۱۴- تفسیر غرائب القرآن، نظام الدین نیشابوری.
- ۱۵- تفسیر مفاتیح الغیب، فخر رازی.
- ۱۶- تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی.
- ۱۷- تفسیر البحر المحیط، ابو حیان توحیدی.
- ۱۸- تفسیر نور الثقلین، عبد علی حویزی.
- ۱۹- تفسیر فتح القدر، محمد علی شوکانی.
- ۲۰- تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبائی.
- ۲۱- تفسیر المنار، شیخ محمد عبده - سید محمد رشید رضا.
- ۲۲- تفسیر الکاشف، دکتر سید محمد باقر حجتی - عبدالکریم بی آزار شیرازی.
- ۲۳- سیرة المصطفی، هاشم معروف حسنی.
- ۲۴- سیره ابن هشام (السیرة النبویه)، محمد بن هشام.
- ۲۵- سنن ترمذی، محمد بن عیسی ترمذی.
- ۲۶- سنن دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن.
- ۲۷- صحیح مسلم، محمد بن مسلم بن حجاج.
- ۲۸- الغدير فی الكتاب و...، عبدالحسین امینی.
- ۲۹- فرازهایی از تاریخ اسلام، جعفر سبحانی.
- ۳۰- القرآن الکریم و روایات المدرستین، سید مرتضی عسکری.
- ۳۱- الکافی (اصول)، محمد بن یعقوب کلینی.
- ۳۲- معانی القرآن، محمد باقر بهبودی.

خود را بیازمائید

- ۱- رابطه آیه تبلیغ و غدیر چیست؟
- ۲- آیه اکمال را با ترجمه فارسی آن مرور کنید.
- ۳- زمان نزول آیه اکمال کی بوده و پیام آن را برشمارید.
- ۴- در حدیث غدیر چه موضوعاتی مطرح شده است، فهرست نمائید.
- ۵- کلمه «مولی» در خطبه غدیر - با توجه به معانی متعدد آن در زبان عرب - را تحلیل فرمائید.

درس نای از

خطبہ غدیرہ

عبدالحسین طالعی

«غدیر»، مشعلی است که رسول خدا ﷺ «دیروز» برافروخت،
تا «امروز» زندگانی بهتر داشته باشیم.
«غدیر» پیامی الهی است که «دیروز» بیان شد، تا «امروز»
به گوش جان بشنویم، و ره توشه‌ای برای «فردا» از آن بگیریم.

«خطبه غدیر»، کتابی است همواره گشوده، تا پیوسته در آن
نظر کنیم، و درس زندگی از آن بیاموزیم.
«خطبه غدیر»، زلال جاری آسمانی است در زمین، که
هر لحظه، تشنگان سعادت و نجات را به خود فرا می‌خواند.
«خطبه غدیر»، قصه‌ای نامکرر است، که هر چه آن را بخوانی،
تازه‌تر می‌شود.

در خطبه غدیر، رسول خدا ﷺ با خطاب «معاشر الناس»
سخن می‌گوید، یعنی: «گروه‌های مردمان»، نه تنها حاضران در روز

هیجدهم ذی‌الحجه سال دهم، نه تنها مردم مکه و مدینه، نه تنها مسلمانان آن روز، بلکه هر انسانی در هر زمانی و هر زمینی که هست، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او سخن می‌گوید.

«پیام غدیر»، همچون «پیام نبوت»، پیامی به همه نسل‌ها در همه عصرها، و در جای جای زمین است...

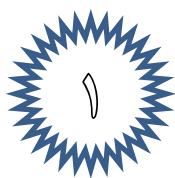


متن این خطبه را، راویان و محدثان و دانشمندان، در طول سده‌های پیشین نقل کرده‌اند، و به دست ما رسانده‌اند. اینک وظیفه داریم که این حقایق والای ولایت را فرا گیریم، و به نسل‌های بعد برسانیم.

اینک به عهده ما است که اگر نمی‌توانیم تمام خطبه را فرا گیریم، دست کم، برخی از جملات این پیام جاودانه را، سرلوحه زندگی خود گیریم.



«درس‌هایی از خطبه غدیر» را پیش رو داریم. این درس‌ها برای زندگی بیان شده است. باید آنها را بخوانیم و بر جان نشانیم و در زندگی به کار گیریم، تا به حیات طیبه الهی دست یابیم. و توفیق از خدا است.



ولی خدا

فاعلموا معاشر الناس! إن الله نصبه لكم ولياً وإماماً مفترضاً طاعته.
ای گروه‌های مردمان! بدانید که خدا او را بر شما ولی و
امام قرار داده و اطاعت او را بر تمام شما واجب گردانیده
است.

در این جمله می‌بینیم:

۱- خدای بزرگ، امیرالمؤمنین علیه السلام را برای ما مولی قرار داده
است این، نه انتخاب مردم است و نه حتی انتخاب شخص
پیامبر صلی الله علیه و آله

۲- اطاعت علی علیه السلام بر همه واجب است.

۳- بنابراین در تمام شئون زندگی خود باید ببینیم ایشان چه
بیانی دارند. در زندگی خود آنها را به کار بندیم. صد البته کسی که
خداوند، او را برای ما ولی قرار داده است، پذیرفتن هدایت‌های او

سبب نجات انسان‌ها خواهد بود.

چند پرسش مهمّ پیش روی ما است:

- آیا در طلب نجات و سعادت هستیم؟

- آیا نجات و سعادت را در اسلام می‌جوییم؟

- آیا سخنان پیامبر اسلام ﷺ را به جان می‌پذیریم؟

- آیا ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را - که رسول خدا بر ما فرض

و واجب دانسته - قبول داریم؟

پاسخ به این پرسش‌ها، نقش اساسی در تحوّل زندگی به‌سوی

حیات طیّبه دارد.



فرمانش را ببرید

ماضِ حکمه، جائزُ قوله، نافذُ امره، ملعونُ من خالفه، مرحومُ من تبعه...
حکم او باید اجرا شود، کلام او مورد عمل باشد. و امر او نافذ است. هر کس با او مخالفت کند، از رحمت الهی دور می‌گردد. و هر کس تابع او باشد، در سایهٔ رحمت الهی است.
در اینجا می‌خوانیم:

۱- حکم و بیان و امر امیرالمؤمنین علیه السلام باید مورد قبول همه باشد. و هیچ کس حق ندارد در برابر او مخالفت کند. و هیچ شک و تردیدی در اوامر علی علیه السلام وارد نیست.

۲- کسی که بخواهد مورد رحمت خداوند قرار گیرد، باید در مسیر تبعیت و پیروی حضرتش حرکت کند.

۳- هر کس با حضرتش مخالفت کند، از رحمت حق دور می‌شود. اینک ما، که می‌خواهیم مورد رحمت خداوند قرار گیریم و از غضب او در امان باشیم، شایسته است که بیانات گهربار

حضرتش را در زندگی به کار بندیم، چرا که او «امام» ما است، و ما امت او هستیم. اینک آیا وظیفه تبعیت از آن امام همام - یعنی عمل به سخنان حضرتش - را ادا می‌کنیم؟



آن دانشِ انباشته

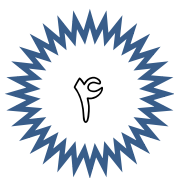
ما من علم إلّا وقد احصاه الله في... و ما من علم إلّا علّمته علياً، وهو الإمام المبین...

هیچ علمی نیست، مگر این که خداوند، آن را در من جمع کرده است... و هیچ علمی نیست مگر اینکه آن را به علی آموخته‌ام. و اوست «امام مبین»...

رسول اکرم ﷺ خزانة دار علم حق تعالی است، که آن را به امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام آموخته است. پس تشنه علم باید وجود خود را از سرچشمه زلال علم پیامبر ﷺ سیراب کند. یعنی باید امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام را پناهگاه علمی خود بداند، و در حل مشکلات علمی به حضرتش رجوع نماید.

آری، در دین اسلام، علم مقام و منزلت خاصی دارد. و اهل بیت - که معادل علم الهی هستند - مقام رفیع و جایگاهی بلند دارند.

به حکم عقل، شخصی که علم کامل دارد، شایسته است که امام و جانشین پیامبر باشد. و دیگران باید به او مراجعه کنند. هر کس این حقیقت روشن را نپذیرد یا انکار کند، با عقل خود مخالفت کرده است. کیست که بخواهد راهی دراز - به بلندای ابدیت - را بدون بهره‌گیری از نور عقل پیماید؟



خدایش برتری داد

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَضَّلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

ای گروه مردمان! او را برتر بدانید که خدایش برتری داده است. و به او روی آورید، که خدایش منصوب نموده است.

از این عبارت بر می آید:

۱- خداوند سبحان به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فضیلت و برتری داده است، و فضیلت او ساختگی و بشری نیست.

۲- حال که خدا او را برتری داده است، مردم نیز باید او را برتر از دیگران بدانند.

۳- حال که خداوند، او را برای مردم (در جایگاه امامت) قرار داده است، پس مردم هم باید او را به امامت قبول کنند.
آری، آن که برگزیده خداوند است، شایسته است که ما هم او

را برگزینیم و مقتدای خود قرار دهیم.
با سر سپردن به امامت دیگران، چه عذری در پیشگاه عقل و
خدای عقل آفرین داریم؟



بیانگر کتاب خدا

معاشر الناس! تدبروا القرآن وافهموا آیاته... فوالله لن بین لكم
نرواجره ولا یوضح لكم تفسیره الا الذی انا آخذٌ بیده،... وهو علی
بن ابی طالب أخی ووصیی.

ای گروه مردمان! در قرآن تدبّر کنید، و آیات آن را
بفهمید!... به خدا سوگند، باطن قرآن را کسی برایتان بیان
نمی‌کند، و تفسیر آن را کسی برایتان روشن نمی‌سازد،
مگر این شخصی که دست او را به دست خود دارم... و او
علی بن ابی طالب است، برادرم و جانشینم...

درسهای زندگی که از این جمله می‌آموزیم:

۱- باید در قرآن تدبّر و اندیشه کنیم و آیاتش را بفهمیم، پس
خواندن قرآن، به تنهایی برای ما کافی نیست، گرچه لازم است.

۲- قرآن نیاز به تبیین و توضیح دارد.

۳- برای فهمیدن قرآن و برای یافتن تفسیر آن و برای استخراج امر و نهی خداوند از قرآن، باید به امیرالمؤمنین علی علیه السلام رجوع کرد، زیرا که خداوند متعال، آن حضرت را مبین قرآن قرار داده است، نه دیگر مدعیان وصایت پیامبر را.

کیست که از قرآن و تبیین آن بی‌نیاز باشد؟ و کیست که از رجوع به مبین قرآن بی‌نیاز باشد؟



دو یادگار ماندگار

معاشر الناس! علياً و الطيبين من ولدي هم الثقل الأصغر، و القرآن الثقل الأكبر فكل واحد مني عن صاحبه و موافق له، لن يفترقا حتى يردا علي الحوض، هم أمناء الله في خلقه و حكماؤه في أرضه.

ای گروه مرمان! علی و پاکان از فرزندانم - که از نسل اویند - «ثقل اصغر» هستند، و قرآن «ثقل اکبر» است. هر یک از دیگری خبر می‌دهد و با آن توافق دارد. این دو، از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر، بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین‌های خدا میان آفریدگان او، و حاکمان او در زمین او هستند.

رسول خدا ﷺ از دنیای فانی دیدگان خود را بست، در حالی که دو یادگار ماندگار در میان امت باقی گذاشت، که امت تا قیام قیامت، از آن دو، ره توشه هدایت گیرند.

این دو یادگار جاویدان پیامبر رحمت، کتاب خدا و خاندان پاک نهاد رسول خدا هستند، که پیوسته، توأمان به عنوان دستاویز نجات وسیله هدایت و سعادت امت معرفی شده‌اند. هر کسی که زندگانی سالم در دنیا و نجات در آخرت را می‌جوید، باید این راه را بیوید: راه بزرگوارانی که امین خدا در میان آفریدگان، حاکمان منصوب از سوی خالق متعال در زمین خدا هستند. چه راهی بهتر از این برای انسان هست؟ بلکه راهی جز این برای انسان نیست.



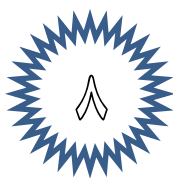
«امیرالمؤمنین» کیست؟

أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ، وَأَنَا قُلْتُ عَنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا، وَلَا تَحُلْ أَمْرَهُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

بدانید که خدای عزوجل فرموده است و من از جانب
خداوند عزوجل می گویم. بدانید که کسی جز این برادرم،
«امیرالمؤمنین» نیست. و نامگذاری هیچ فرد دیگر به این
نام روا نیست.

۱- رسول خدا ﷺ امر امامت حضرت امیرالمؤمنین، علی بن
ابی طالب (علیه السلام) را از سوی خودشان بیان فرموده‌اند. بلکه در این امر،
فقط فرمان خداوند را به مردم ابلاغ کرده‌اند. تأکید پیامبر بر این
حقیقت روشن، الهی بودن امامت آن حضرت را نشان می‌دهد، تا
انسانی به دانش خام خود، گمان نکند رسول خدا ﷺ از سوی خود
یا مثلاً به سبب جانبداری خویشاوندی به این معرفی اقدام کرده‌اند.

۲- از سوی دیگر تأکید شده است که برای امت اسلامی، پس از رسول خدا، امیری الهی جز امام امیرالمؤمنین علیه السلام وجود نخواهد داشت، بلکه مقام امیری و فرماندهی مؤمنان، ویژه برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله (در دین) یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام خواهد بود. و هر مدّعی دیگری که خود را صاحب جایگاه امیرالمؤمنین بداند، مدّعی کاذب و دروغین بیش نخواهد بود.



برادر و جانشین پیامبر

معاشر الناس! هذا عليّ أخي ووصيّی و داعی علمی و خلیفتی علی امتی
و علی تفسیر کتاب الله عزّوجلّ و الداعی إلیه.

ای گروه مردمان! این علی است، برادر من، وصی من،
جامع علم من، جانشین من در امتم، جانشین من در تفسیر
کتاب خدای عزّوجلّ، و دعوت کننده به آن...

- ۱- پیامبر خدا ﷺ در این جملات، مردمان را به یکی از
مقامات امیرمؤمنان علیه السلام آگاه کرده‌اند. و این که چندین بار، مؤاخاة و
برادری میان مسلمانان به دستور رسول خدا ﷺ صورت گرفت و
حضرتش در هر مرتبه، علی علیه السلام را به «برادری» برای خویش
برگزیدند. و این مرتبه عظیمی است که نصیب هیچ کس نشده است.
- ۲- هم چنین رسول خدا ﷺ، مقام وصایت و جانشینی بعد از
خود را، از آن علی بن ابی طالب علیه السلام دانسته‌اند، با تأکید به این که

این برادر و جانشین، مردم را به علم رسول خدا ﷺ فرا می خواند، و تنها آن بزرگوار، جانشین ایشان خواهد بود.

۳- نکته بسیار مهم، اینکه علی علیه السلام علاوه بر جانشینی پیامبر در همه مقامات و مراتب، در زمینه تفسیر و شرح و بیان قرآن کریم و حقایق آن نیز در جایگاه رسول خدا است.

پس هر کس تفسیر قرآن را از رسول خدا ﷺ جویا می شود، اینک باید تنها از امیرالمؤمنین علیه السلام جویا شود.

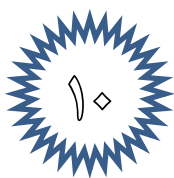


دین، کامل شد

معاشر الناس! إنما أكمل الله عز وجل دينكم بامامته.

ای گروه‌های مردمان! خدای عزوجل دین شما را، تنها و تنها با امامت او کامل ساخت.

هشدار رسول خدا ﷺ به این نکته عظیم و اصل اساسی است که کامل شدن دین و اعتقاد و عمل هر فرد مؤمن، یک شرط ویژه دارد. بدون این شرط، بندگی و اطاعت در اعتقاد و عمل ناتمام خواهد ماند، گرچه در ظاهر، بسیار زیبا و فریبنده باشد. این شرط ویژه، پذیرش امامت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و گردن نهادن به اطاعت و ولایت ایشان است. و این حقیقت، به بیان دیگری در انبوه روایات معتبر از اهل البيت علیهم السلام نقل شده که قبولی هر گونه عمل و فعلی در پیشگاه خداوند، وابسته است به ولایت و اطاعت از جانشینانی که پیامبر از جانب خدا برای خود معرفی کرده‌اند، و نه افرادی که مردم به عنوان جانشین پیامبر ﷺ انتخاب کردند.



کانون نور

معاشر الناس! نور الله عزوجل فیّ، ثمّ مسلوک فی علیّ، ثمّ فی النسل
منه إلى القائم المهدی، الذی يأخذ بحقّ الله وبکلّ حقّ هو لنا.

ای گروه‌های مردم! نور از جانب خدای عزوجل در من نهاده
شده، و سپس در علی و بعد در نسل او تا قائم مهدی، که
حق خدا را و هر حقّی را که برای ما باشد، می‌گیرد.

۱- خداوند متعال در آیه ۳۲ و ۳۳ سوره توبه تذکر می‌دهد
که افرادی (کفار و منافقان) می‌خواهند نور خدا را با دهانشان
خاموش کنند، اما خداوند مانع از آن خواهد شد و نور خود را تمام
خواهد کرد. و در آیه بعد می‌فرماید: «او خدایی است که رسول
خود را با هدایت و دین حق فرستاده است تا آن را بر همه ادیان
غلبه و چیرگی دهد، هر چند که مشرکان و کافران، انجام این امر را
نخواهند و مخالف باشند».

این نور خدایی که در آیه مذکور آمده، همین نوری است که رسول خدا ﷺ در اینجا پیرامون آن توضیح بیشتری داده‌اند.

۲- هر کس که در دنیای ظلمت زده، در پی نور خدا است، باید به کانون تابان نور - یعنی امام امیرالمؤمنین و یازده امام معصوم از نسل حضرتش تا قائم مهدی علیهم‌السلام - روی آورد. و گرنه در ظلمت باقی می‌ماند.

۳- خداوند، آخرین حجت و نور خود را، وسیله احقاق حق اولیای خود قرار داده است. هر کس به این احقاق حق علاقه دارد، باید به امام قائم مهدی علیهم‌السلام توجه کند.



هشدار!

معاشر الناس! اُنذِرکم اَنی رسول الله، قد خلت من قبلی الرسل،
اَفان متّ او قتلت انقلبتم علی اعقابکم؟ و من یقلب علی عقبیه فلن
یضر الله شیئاً، و سیجزی الله الشاکرین.

ای گروه‌های مردم! به شما هشدار می‌دهم که من رسول
خدایم، که پیش از من پیامبرانی آمده‌اند. آیا اگر من بمیرم
یا کشته شوم، شما به گذشته (جاهلیت) خود باز
می‌گردید؟ در حالی که هر کس که به گذشته خود
برگردد، هرگز هیچ ضرری به خدا نمی‌زند، و خدا
شکرگزاران را پاداش می‌دهد.

هشدارهای رسول خدا به امتش شنیدنی است، خصوصاً در
مواردی که مربوط به سرنوشت امت پس از رحلت حضرتش باشد.
اینک به چند نکته باید توجه و دقت شود:

۱- گستره زمانی امت رسول خاتم صلی الله علیه و آله تا قیامت است، و گستره مکانی آن در تمام نقاط جهان، شرق و غرب آن.

۲- اینگونه هشدارهای پیامبر رحمت و پدر مهربان امت، خطاب به تمام پیروان آن حضرت است، در هر لحظه زمان و در هر نقطه زمین.

۳- هشدار رسول خدا، در زمینه بازگشت امت از دین حق به جاهلیت است، جاهلیتی که به لطف الهی پشت سر نهاده‌اند و اینک، به سوء اختیار خود، به آن باز می‌گردند.

۴- بازگشت مردم به جاهلیت، زبانی به خدا نمی‌رساند. این زیان تنها به کسانی می‌رسد که نمک خورده و نمک شکسته‌اند.

۵- در این میان، تنها افراد معدودی هستند که نعمت‌های الهی - و در رأس آنها نعمت ولایت - را شکر می‌گزارند. و خدای مهربان به فضل خود، اینان را جزای خیر می‌دهد، گرچه اینان فقط انجام وظیفه کرده‌اند، نه کاری بیشتر از آن.

از خدای متعال می‌خواهیم که توفیق شکر نعمتهایش را به ما مرحمت فرماید، و ما را قدردان نعمت ولایت بگرداند، و از بازگشت به جاهلیت، در امان خود نگاه دارد.



مَنْت ننهید!

معاشر الناس! لا تمنوا على الله إسلامكم، فيسخط عليكم و
يصيبكم بعذاب من عنده، إنه بالمرصاد.

ای گروه‌های مردم! با اسلام آوردن خود، بر خدا مَنّت
مگذارید، که بر شما غضب گیرد، و شما را به عذابی از
جانب خود گرفتار کند، که او در کمین است.

هدایت الهی، مَنّتی است که خدای متعال بر ما گذاشته و ما را
(به هر دلیل، گرچه نمی‌دانیم از کجا) مشمول آن قرار داده است.
قدردان این نعمت باید باشیم. چگونه؟ این قدردانی مراتبی دارد، از
جمله:

۱- به این کارهای مختصر خود، بر خدای بزرگ مَنّت
نگذاریم.

۲- ارزش نعمت هدایت را بشناسیم.

۳- در راه حفظ آن بکوشیم.

۴- در راه گسترش و تبلیغ آن به دیگران تلاش کنیم.

۵- در جهت تعمیق و توسعه آن در خودمان کوشش کنیم.

اگر نعمت را شناختیم، اما به دلیل تنبلی، هوی و هوس،

القائات شیطانی و... آن را رها کردیم، مصداق آیه شریفه «لَنْ

شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۱ خواهیم

شد. و اگر آن را پذیرفتیم، انشاءالله مصداق آیه «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ

هُدًى»^۲ می‌شویم، و آنگاه لذت معنوی هدایت را می‌چشیم.

۱. اگر شکر نعمت کنید، یقیناً نعمت را بر شما افزون می‌گردانم. و

اگر کفران نعمت کنید، حقاً عذاب من شدید است. (سوره ی

ابراهیم، آیه ی ۷)

۲. و کسانی که هدایت را بپذیرند، خدا بر هدایت ایشان بیفزاید.

(سوره ی محمد ﷺ، آیه ی ۱۷)



تداوم غدیر در نسل‌ها

قد بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ، حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ، وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ تَمَنٍّ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَلَدٌ أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

من آنچه را مأمور به ابلاغ آن بودم، رسانیدم، تا حجت باشد بر هر کس که حاضر و غائب است. و بر هر فردی که (در این مجلس) حضور دارد یا ندارد، و بر هر که زاده شده یا زاده نشده است. اینک باید حاضران به غائبان، و پدران به فرزندان - تا روز قیامت - (این پیام را) برسانند.

رساندن پیام‌های غدیر (که بسیار متنوع و مختلف است) در زمان حاضر به همه مسلمانان وظیفه ماست. با توجه به گسترش رسانه‌های عمومی (روزنامه، اینترنت و...) چرا ما ساکتیم؟ پیامبر

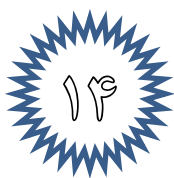
درس‌هایی از خطبه غدیریه ۱۰۱

اکرم به زبانی که جز وحی نمی‌گوید، و «ما یَنطِقُ عَنِ الْهَوَى» است، مسلمانان را تا روز قیامت، امر به ابلاغ پیام‌های غدیر به دیگران کرده است.

وظیفه ما است که نسلا را غدیری تربیت کنیم، پیام غدیر را به همگان بگوییم، و عمل به پیمان غدیر را از آنان بخواهیم.

بیاییم همه با حضرتش پیمان ببندیم، و بگوییم:

ای پیامبر رحمت! ندای شما را به گوش جان شنیدیم. اینک می‌کوشیم تا به فرزندان خود، و تمام کسانی که با آنها پیوند داریم، پیمان هدایت «غدیر» را برسانیم. و از آنها نیز بخواهیم که به دیگران برسانند....



آزمون و تمایز

معاشر الناس! إن الله عزوجل لم يكن يذركم على ما أنتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب.

ای گروه‌های مردم! خدای عزوجل، شما را به حال خود رها نمی‌کند، تا آنکه پلید را از پاک جدا سازد.

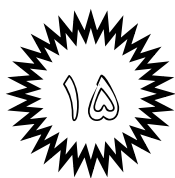
خدای رحمان و رحیم، ما را در این دنیای پهناور بی‌سرپرست، رها نفرموده، بلکه به لطف گسترده‌ای که بر انسان‌ها دارد، انبیاء و اوصیاء را مأموریت داد تا جان فشانی کنند و مردم را به سوی خدا راهنمایی کنند. آنکس که هدایت را پذیرفت، طیب و پاک شد، و آن که هوای نفس بر او غلبه کرد و سخنان راهنمایان الهی را نپذیرفت، خبیث و ناپاک شد. اینک به‌خود نهیب بزنیم و در پرتو سخن وحی بگوییم:

هشدار! مبادا با کنار گذاشتن پیام دلسوزانه غدیر، در زمره

درس‌هایی از خطبه غدیریه \ ۱۰۳

پلیدان گردی، بلکه با مراجعه مکرر به پیام غدیر، دل و جان خود را
در زلالِ جاریِ آسمانی هدایت الهی شستشو ده، تا در میان گروه
پاکان جای گیری...

این راه گشوده است. چه گامی برای آن برمی داری؟



راه، این است

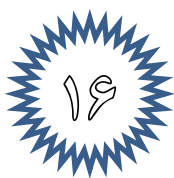
فاسمعوا لأمره تسلموا، وأطيعوه تهتدوا، وانتهاوا لنهيته ترشدوا، وسيروا
إلى مراده، ولا تتفرق بكم السُّبُلُ عن سبيله.

پس امرش را بشنوید تا به سلامت برسید. اطاعتش کنید تا
هدایت گیرید. نهی او را به گوش جان بشنوید تا به رشد
برسید. به سوی خواسته او بروید، و راههای دیگر، شما را
از راه او دور نسازد.

پیامبر اکرم ﷺ در این عبارت، به وضوح برای امت اتمام
حجت کرده‌اند و جای هیچ شک و تردید باقی نگذاشته‌اند. به‌بیان
ایشان، امت باید تابع و شنوای امر حضرت علی عليه السلام باشد تا سالم
بماند. اگر هدایت به راه سعادت می‌خواهد، باید از آن حضرت
اطاعت کند. اگر می‌خواهد به رشد و کمال برسد، باید از آنچه آن
بزرگوار بازمی‌دارد، پرهیز کند.

درس‌هایی از خطبه غدیریه \ ۱۰۵

انصاف دهید! آیا بیانی واضحتر و جامع‌تر از این کلمات
هست که بتوان حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام را ابلاغ کرد؟ آیا عقل
انسان در پیمودن این راه، اندک تردیدی به خود راه می‌دهد؟



صراط مستقیم

معاشر الناس! أنا صراط الله المستقیم الذی أمرکم باتباعه، ثمَّ علی من بعدی، ثمَّ ولدی من صلبه أئمةٌ یهدون بالحقِّ و به یعدلون.

ای گروه مردمان! منم صراط مستقیم خدا که شما را به پیروی از آن امر فرموده است. پس از من، علی است. سپس فرزندانم از نسل او، امامانی که به حق هدایت می کنند، و به یاری حق به عدالت رفتار می کنند.

همه مسلمانان - حداقل در هر شبانه روز ده مرتبه - از خدای متعال درخواست می کنند: «اهدنا الصراط المستقیم». رسول گرامی اسلام خود این صراط مستقیم را در این جا معرفی فرمود، و علی بن ابی طالب علیه السلام را هم به همان عنوان شناساند.

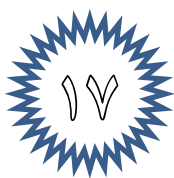
در فرازهای دیگر خطبه غدیر، موضوع امامت ائمه علیهم السلام مکرر بیان شده است. در اینجا آن کسانی معرفی شده اند که به «حق»

هدایت می‌کنند و به سوی «حق» توجه می‌کنند.

سخن را، روی با صاحب‌دلان است. می‌گوییم:

ای انسان‌های آزاده و حق‌طلب! شیعه معتقد به دوازده امام است، که در طول زندگی‌شان فقط به خدا دعوت کردند و از خدا کمک خواستند، و در راه تربیت انسان‌ها تلاش کردند.

آیا عقل حکم نمی‌کند که به سراغ آنها برویم، سخن آن بزرگواران را بشنویم، از کلام هدایت آن امامان هدایتگر بهره گیریم، و پیروی از آنها را سرلوحه زندگی خود قرار دهیم؟



هدایت‌پذیر کیست؟

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا
إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»^۱

آگاه باشید! کسانی که ولایت ایشان (امیرالمؤمنین و اهل
بیت علیهم‌السلام) را بپذیرند؛ همان‌ها هستند که خدای عزوجلّ
در وصف آنان فرموده است: «و کسانی که ایمان آوردند،
و ایمان خود را به ستم نبوشانند، آنانند که برایشان امان
است. و آنان هدایت یافتگانند».

آری باید کسانی را به سرپرستی خود بپذیریم که خدای
عزوجلّ، ایشان را توصیف و ستایش فرموده است. جوهره دین،
دوستی و محبت خدا و رسول است، و پس از پیامبر، محبت کسانی

۱. سوره انعام، آیه ۸۲.

درس‌هایی از خطبه غدیریه \ ۱۰۹

که خداوند، ایشان را صاحبان اختیار در امور جهان قرار داده، و به اطاعت کامل از آنها فراخوانده است. کسانی که این ولایت را به جان پذیرفتند، مؤمنانی هستند که ایمان خود را به آلودگی ستم (برخود و دیگران) نپوشانیدند. و این شعله تابنده را در جان خود روشن نگاه داشتند...

این هدیه الهی را، خدای نعمت بخش به مردم عطا فرمود، تا از آن بهره گیرند، و به دیگران نیز سود رسانند، و همگان را بدان فرا خوانند...



بهشتیان

إِنَّا أَوْلِيَاءُ الْمَظْهُورِينَ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْمَوْ قُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱

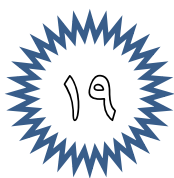
بدانید! دوستداران ایشان (اهل بیت علیهم السلام) کسانی هستند که
خدای عزوجل می فرماید: وارد بهشت می شوند، و در آن
بدون حساب روزی داده می شوند.

ورود در بهشت، آرزوی کسانی است که سعادت و نجات
ابدی را می خواهند. در عین حال، ضابطه ای است که پیروان حق را
از طرفداران باطل جدا می سازد.

اما چه کسانی وارد بهشت می شوند؟
رسول خدا صلی الله علیه و آله در اینجا می فرماید: تنها کسانی وارد بهشت

۱. سوره ی مؤمن، آیه ۴۰.

می‌شوند، که ولایت اهل بیت را به جان و دل پذیرفته‌اند.
و این حسن ختام است بر آن زندگانی که حسن مطلع آن، در
دنیا، پذیرش راه هدایت و پیمان بستن با ولایت خاندان نور بوده
است. کسانی در آخرت، از نور الهی بهره می‌گیرند که در دنیا از این
نور، بهره گرفتند...



راهنمایان امت

معاشر الناس! ألا وانی منذر وعلیّ هاد.

ای گروه‌های مردمان! بدانید که من هشدار دهنده‌ام و علی، راهنما است.

خدای متعال در قرآن خود، رسول خاتم را به شرف عنوان «منذر» (هشدار دهنده) افتخار بخشید، و آنگاه فرمود: «لَکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (هر گروهی را هدایتگری است)^۱

از این بیان الهی، چند نکته روشن برمی‌آید، از جمله:

۱- مشعل هدایت، تا پایان عمر جهان، در میان مردمان، تابان و نورافشان است.

۲- همان گونه که هشداردهنده (منذر) از سوی خدای تعالی

۱. سوره رعد، آیه ۷.

معین می‌گردد، هدایتگران مردمان نیز، به‌دست آفریدگار دانای توانا، تعیین می‌شوند.

۳- همان سان که به هشدار (انذار)های پیامبر رحمت باید گوش جان سپرد، باید راهنمایی (هدایت)های هدایتگران را نیز در نظر داشت.

باری، در این جمله به‌روشنی بیان می‌شود که هدایتگر امت پس از رحلت پیامبر رحمت ﷺ، امیرالمؤمنین علیؑ است.

البته احادیث دیگری را محدث بزرگوار مرحوم سید هاشم بحرانی در تفسیر شریف برهان ذیل آیه یاد شده آورده، که بر اساس آنها، امامانی از فرزندان امیرالمؤمنین علیؑ می‌آیند، که هر یک از آنها هدایتگر مردم در زمان خودشان هستند. و امروز، امام هادی مهدی، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، رایت هدایت را در دست دارد.



واپسین حلقهٔ این رشتهٔ نور

الا انْ خاتمةَ الأئمةِ منّا القائمِ المهدي

بدانید! آخرین امام از ما، قائم مهدی است.

نوید به قیام موعود عدالت گستر جهانی، چنان اهمیتی والا دارد که رسول امین صلی الله علیه و آله در آستانهٔ تداوم حیات امت پس از خود، دورنمای روشن رشتهٔ نورانی امامت را بدین گونه نشان می‌دهد.

پیامبر، در حالی که در کنار نخستین امام جای دارد، آخرین امام را در حضور جمعیت هزاران نفری حاضر در جُحفه - که پرشکوه‌ترین اجتماع مسلمانان در طول دورهٔ حیات پیامبر بود - به مردم می‌شناساند.

از سوی دیگر، برای ابلاغ این پیام، همچون دیگر پیامهای روز غدیر، به مسلمانان امر می‌فرماید که نسل به نسل، این امانت مقدّس را همچنان به دیگران برسانند.

درس‌هایی از خطبه غدیریه ۱۱۵\

سخن در اینجا است: اگر ابلاغ این پیام آسمانی در آن روز، برای آن مردم، چنان ضرورتی داشت، امروز برای ما که در زمانِ حیات و امامت «خاتم الأئمه» زندگی می‌کنیم، آیا ضرورت آن صد چندان نیست؟



رایتِ بلندِ هدایت

الا انه الظاهر على الدين

بدانید! که او (حضرت مهدی علیه السلام) بر تمام دینها پیروز است. ظهور موعودی که بر ظلم و ستم‌ها چیره شود، و انسانیت انسان را برای او معنا کند، فصل مشترک تمام ادیان و مذاهب است، که هر کدام به نحوی و به بیانی، از آن سخن گفته‌اند. قرآن- این کتاب بزرگ و پیمان نامه سترگ الهی - علاوه بر بیان این مضمون مشترک تمام کتاب‌های آسمانی، وعده داده که پیامبر خود را بر تمام ادیان غلبه دهد، گرچه دشمنان توحید را خوش نیاید.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۱

۱. سوره ی توبه، آیه ۳۳.

اینک در بیان رسول پاک می‌خوانیم که غلبه بر تمام دینهای دیگر - که با ظهور اسلام، نسخ شده‌اند - به دست بزرگ مردی از سلاله پیامبر است، که پرچم پیروز «نصر من الله» در دست اوست، و در انتظار او و به یاد او است، که در دعای ندبه می‌خوانیم:

این صاحب یوم الفتح و ناشر مرایة الهدی؟

کجاست صاحب روز فتح و گستراننده رایت هدایت؟



روز انتقام

الا انه المنتقم من الظالمين

بدانید که او (حضرت مهدی علیه السلام) انتقام گیرنده از ستمگران است.

ظلم بر همنوعان، همزاد آدمی است. انسان، از نخستین روز پیدایش بر کره خاک، به وسوسه شیطان و تحریک هوای نفس، بردیگران ستم روا داشته است.

روال دنیا، تاکنون بر این بوده که ظالم در ظلم خود پیش برود، و مظلومان همچنان مورد ستم قرار گیرند، تا آنجا که حتی برترین بندگان خدا - پیامبران و امامان علیهم السلام - نیز مظلومانه به دست دشمنان کشته و آواره گشتند و از وطن خود رانده شدند.

آیا جهان بدین گونه باقی می ماند؟ آیا خدای جهان آفرین، روزی دیگر برای ستمدیدگان ندارد؟ روزی که آفتاب آن، نوید هلاک را

درس‌هایی از خطبه غدیریه \ ۱۱۹

به‌ستم پیشگان، و نوید رهایی را به‌ستم دیدگانِ جهان نشان دهد؟
آن روز نزدیک است. و به دستِ امام مهدی عجل‌الله‌تعالی
فرجه عملی می‌شود. اینک هر که آن روز بهاری را دوست دارد،
وجود خود را از خزان ستم پاک سازد، و جان خود را بهاری کند،
چرا که آن روز، روزِ خزانِ زدگان نیست، روز بهاری صفتان است...
اللهم عجل فرجه و ظهوره



دژ شکن

اَلاَ اَنَّهُ فَاتِحُ الْحَصُونِ وَهَادِمُهَا

آگاه باشید! و (حضرت مهدی علیه السلام) فاتح قلعه‌ها و منهدم‌کننده آنها است.

ستم پیشگان، در طول سده‌های سرد و سیاه، همچنان در دژهای بیداد نشستند و حکم راندند.

گاهی - تنها لحظاتی محدود - بارقه‌ای از نور امید بر مردم خزان زده تابیدن گرفت. اما همان بارقه نور نیز در هجوم ابر پلید بیداد، محو گردید.

اینک رسول خدا است که در واپسین روزهای عمر مبارک خود، با امت سخن می‌گوید، از راهی که پیش رو دارند.

در این سخنان نورانی، با یک جمله کوتاه، با یک چشم، نگاهی ژرف به گذشته و به چشم دیگر نگاهی به آینده دارند. گویی

درس‌هایی از خطبه غدیریه \ ۱۲۱

به انسان‌های حق‌جو و هدایت خواه نوید و امید می‌دهند که:
هان! مَهْرَاسید! و راه حق را ادامه دهید، که فاتح دژهای شرک
و ظلم، و ویرانگر بناهای کفر و نفاق در راه است. به یاد او باشید،
چشم به راهش دوزید، و به افق عدالت فراگیر جهانی بنگرید، و
بدانید که کاخ نشینان بیداد، عمری دیرپا ندارند...



مشرکان! به هوش!

الا انه غالب كل قبيلة من اهل الشرك وهاديا

بدانید! او (حضرت مهدی علیه السلام) پیروزمند بر هر قبیله از اهل شرک، و هدایتگر آنهاست.

آن روز که قایل، ظالمانه به قتل برادرش هابیل دست دراز کرد؛ آن روز که نوح پیامبر علیه السلام پس از نهصد و پنجاه سال دعوت به توحید از قوم خود نومید شد؛

آن روز که ابراهیم خلیل علیه السلام — پس از عمری نیکی و روشنگری — به آتش کینه انداختند؛

آن روز که فرعون، بر اریکه ستم تکیه داده و قدرت خود را به رخ موسی پیام آور ایمان و عدالت علیه السلام می کشید؛

آن روز که پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله را، کینه توزانه، از مکه بیرون کردند؛

آن روز که سپاه ظلمت به قتل کانون نور، در کربلای خون
رنگ کمر بست؛

و دهها و صدها روز دیگر از این گونه در طول تاریخ؛
پیوسته این پرسش مطرح بود که: آیا همواره باید منادیان توحید،
اینگونه اسیر ستم مشرکان باشند؟

پاسخ بزرگ و گره‌گشای خاتم النبیین به تمام مردمان در طول
تاریخ، خواندنی است:

امام مهدی علیه السلام، یگانه پرچمدار توحید است که تمام
قبیله‌های شرک را - از گذشته و آینده تاریخ - هدایت و بر آنها اتمام
حجت می‌فرماید، و اگر حق را نپذیرفتند، به خاک هلاکت می‌افکند.^۱

۱. البته، چنانکه در این حدیث و احادیث دیگر فرموده‌اند، امام
عصر عجل الله تعالی فرجه، مدتی از دوره‌ی ظهور را به تبیین،
هدایت، احتجاج، و روشنگری حقایق ایمانی برای منکران سپری
می‌کنند. درگیری حضرتش با مخالفان، پس از اتمام حجت کامل
خواهد بود، چنانچه سیره‌ی تمام پیامبران و امامان هدایت علیهم السلام
چنین بوده است.



موعود اَمّت‌ها

الا انه قد بشر به من سلف بين يديه

آگاه باشید! هر کس پیش از او (حضرت مهدی علیه السلام) آمده،
به او نوید داده است.

نوید خدای بزرگ به ظهور و قیام منجی دادگستری که جهان
را از عدالت آکنده سازد و در تمام زوایای زندگی انسان‌ها جلوه آن
را نشان دهد، در تمام کتاب‌های آسمانی پیشین و به زبان تمام
پیامبران و امامان گذشته بیان شده است.

این نوید، نومیدان را مایه امید بوده است. و اکنون نیز، پیروان
تمام ادیان و مذاهب در جای جای گیتی، همچنان چشم به راه آن
موعود الهی هستند، و در انتظار ظهورش لحظه شماری می‌کنند.

پیامبر رحمت نیز در خطبه غدیر، فرجام نیک انسان‌ها را با
طلوع صبح انسانیت و تابش آفتاب عدالت، بیان می‌دارد، تا امام

موعود را بشناسیم و از ژرفای جان بگوییم:

السلام علی المهدی، الذی وعد الله عزوجلّ به الامم ان یجمع به
الکلم ویلم به الشعث، ویملأ به الأرض قسطاً وعدلاً، ینجز به
وعد المؤمنین.

سلام بر مهدی، آنکس که خدای عزوجلّ، امتها را به او
وعده داده که کلمه‌ها (عقاید گونه‌گون) را به او گرد آورد،
پراکندگی‌ها را به دست او، به سامان آورد، و زمین را با
ظهورش از قسط و عدل آکنده سازد، و وعده‌ای را که
به مؤمنان داده، با قیام او، به انجام رساند.



پیروزمند شکست‌ناپذیر

ألا أنه لا غالب له ولا منصور عليه

آگاه باشید! او (حضرت مهدی علیه السلام) کسی است که هیچ کس بر او غالب نمی‌شود. و هیچ فردی که در برابر او باشد، یاری نمی‌گردد.

هیچ کس بر حضرت مهدی علیه السلام غلبه نخواهد داشت و هیچ کس علیه آن حضرت یاری نخواهد شد. او همان منجی نهایی جهان است که همه امتهای گذشته، انتظار آمدنش را داشته‌اند و تمامی پیامبران الهی، به امتهای خود بشارت آن موعود را داده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم، آخرین و حساس‌ترین فراز عمر با برکت خویش - که در آن وظیفه امت را پس از رحلت خود مشخص فرموده‌اند - امت را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و غلبه کامل و پیروزی حتمی آن بزرگوار بر همه دشمنان و غلبه حق بر باطل نوید داده‌اند.



رازدارِ خدای جهان

أَلَا أَنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ.
آگاه باشید! او (حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام) ولیّ خدا در زمین او
است، حکم کننده او در میان آفریدگانش، و امین او بر
نهران و آشکارش است.

در این چند عبارت، بعضی از ویژگی های امام عصر اروحنا
فداه از بیان شیوای پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمده است:

۱- آن حضرت، ولیّ خدا در روی زمین است. یعنی کسی
است که از جانب خدا به عنوان رهبر و سرپرست مردم منصوب
شده است (رهبر الهی)

۲- داوری است که در بین مردم قرار داده شده تا مردم در
اختلافات خود به او مراجعه کرده و سخن او را به عنوان حکم با
جان و دل بپذیرند.

۳- مقرّب درگاه الهی است که خدا او را امین و رازدار خود قرار داده است. کسی که در نهان و آشکار امین خدا باشد، همان بنده خدا است که بالاترین درجه عبودیت و نهایت بندگی را به درگاه الهی به جا می آورد.

روشن است که مردم نیز باید در برابر چنین بزرگواری، تسلیم باشند، و او را - با تمام وجود - به امامت بپذیرند. و به این پذیرش افتخار کنند که امین خدا را امام خود می دانند.



حجّ آگاهانه

معاشر الناس! حجّوا البيت بكمال الدين والتفقه، ولا تنصرفوا عن
المشاهد إلّا بتوبة وإقلاع.

ای گروه‌های مردم! با دین کامل و با تفقه (فهم درست)
به حجّ خانه خدا بروید. و از آن جایگاه‌های بزرگ، جز با
توبه و دست برداشتن از گناه باز نگردید.

حجّ از ارکان دین است. اما باید بر مبنای آگاهی کامل در دین
باشد، و بر اساس دین کامل یعنی قبول ولایت و پیشوایی
امیرالمؤمنین علیه السلام انجام شود. اساساً تمام آداب و اعمال مذهبی ما
- اعمّ از نماز و روزه و حج و جهاد و... - اگر بدون قبول این رکن
اساسی دین الهی یعنی قبول ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، ارزش
ندارد.

عبادتی مقبول درگاه الهی است که از طریقی که خالق معبود

فرموده است، ادا شود، نه آن گونه که ما خوش داریم و می‌پسندیم.
ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام، تنها راهی است که خدای متعال برای
عبادت ما قرار داده است. و تنها همین راه است که به توبه و کنده
شدن از گناهان می‌انجامد.



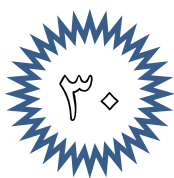
برفراز قلّه «امر به معروف»

أَلَا إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَنْ تَنْتَهَوْا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ، وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَتَنْهَوْهُ عَنِ مَخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَنَتَى.

آگاه باشید! بالاترین امر به معروف و نهی از منکر، آن است که سخن مرا بفهمید، و آن را به هر کس که در اینجا حاضر نیست، برسانید، او را به قبولش امر کنید، و از مخالفتش باز دارید، چرا که این دستوری از جانب خدای عزوجل و از نزد من است.

امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه مهمّ دین است که حیات دین و اهل دین وابسته به آن است. این احکام مهمّ الهی، طبعاً زمانی اجرا می شود که به تمام شئون ضدّ دین مورد نهی قرار گیرد. رسول خدا ﷺ با بیان این جمله، به این حقیقت اساسی اشاره

می‌کنند که ولایت ائمه حق در رأس تمام امور دین است. لذا امر به ولایت (به تمام معنای آن) امر به تمام خوبی‌ها است. و نهی از قبول ولایت دشمنان، نهی از تمام بدی‌ها است.



به کجا می‌روید؟

معاشِر الناس! ما تقولون؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةَ كُلِّ نَفْسٍ
«فمن اهتدى فلنفسه و من ضلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا»^۱ و من بايعَ فَإِنَّمَا يَبِيعُ اللَّهُ.

ای گروه‌های مردم! چه می‌گویید؟ خداوند هر صدایی را
می‌داند، و از پنهانی‌های هردرونی باخبر است. پس هرکه
پیروی هدایت را پذیرفت، به‌نفع خود او است. و هرکس
گمراه شد، به‌ضرر خود گمراه شده است. و هرکه (با
علی علیه السلام) بیعت کند، با خدا بیعت کرده است.

آیا با خدایی که کلام ناگفته‌ی ما را می‌داند، و درونِ دلهای ما را
می‌خواند، می‌توان به مبارزه برخاست؟ آیا با قبول نکردن هدایت
الهی و اعلام جنگ با خدا، می‌توان او را شکست داد؟ بیعت با

۱. سوره زمر، آیه ۳۹.

امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بیعت با خدای متعال است. و این باب گشوده هدایت الهی است که برای همیشه، جویندگان نجات و سعادت را به خود فرا می خواند. هرکس جویای هدایت است، راهی جز این ندارد. و هرکس از این هدایت سرپیچد، تنها به خودش ضرر زده است. و فرجام نیکو، تنها از آن کسانی است که نسبت به حق با تواضع و خضوع پیش آیند و به آن گردن نهند.



سپاس بر نعمت هدایت

معاشر الناس! قولوا الذی قلتُ لکم، و سلّموا علیّ علیّ بامرہ المؤمنین... و قولوا: «الحمدُ لله الذی هدانا لهذا وما کُنّا لنهتدی لولا أن هدانا الله»

ای گروه‌های مردم! آنچه به شما گفتم، بگویید. و بر علی، به‌عنوان «امیرالمؤمنین» سلام کنید... و بگویید: «حمد و سپاس خدای را، که ما را به‌این امر هدایت فرمود. و اگر خداوند هدایت نمی‌کرد، ما به‌هدایت نمی‌رسیدیم.»

هدایت، از جانب خدا است، و قبول آن، وظیفه بشر است. اگر خداوند متعال به لطف گسترده خود انسانها را هدایت نکند، انسانها راهی به‌هدایت ندارند. این است که خداوند، خوان هدایت را برای همه گسترده است. اما این انسانها هستند که وظیفه قبول هدایت - یعنی بهره‌گیری از این خوان گسترده - را دارند.

اسلام یعنی تسلیم در برابر سخنان رسول خدا ﷺ که همه،
وحی خدا است. و کلام رسول، امر به قبول ولایت امام
امیرالمؤمنین (علیه السلام) و پذیرش آن بزرگوار به عنوان «امیر بر تمام مؤمنان
در تمام شئون زندگانی ایشان» است.
اینک آزمونی بزرگ پیش روی ما است: آیا ادّعیای مسلمانی
- یعنی تسلیم در برابر رسول خدا - را در عمل نشان می‌دهیم یا نه؟



حق را میپوشانید

معاشر الناس! قولوا ما يرضى الله به عنكم من القول، فإن تكفروا
أنتم و من فى الأرض جميعاً فلن يضر الله شيئاً.

ای گروه‌های مردم! سخنی بگویند که به آن سخن، خداوند
از شما راضی شود. اگر شما و همهٔ کسانی که در زمین
هستند، کفر ورزند، هرگز ضرری به خدا نمی‌رساند.
گاهی انسان با سرکشی و ظغیان کودکانه، ضعف و حقارت و
محدودیت خود را فراموش می‌کند. و از یاد می‌برد که مخالفت با
خدای بزرگ - که هم قدرت و هم لطف بی‌پایان است - چند نتیجهٔ
زیانبار دربردارد:

۱- کفران نعمت است، که عقل هر عاقلی، به‌زشتی آن حکم می‌کند.

۲- محرومیت انسان از برکات و ثمرات و الطاف بعدی الهی

را در پی دارد.

۳- قدرتِ واسعهُ خدا را در هم نمی‌شکنند، بلکه خیره سری
و نادانی انسان را نشان می‌دهد.
اینک راهِ هدایت پیش پای جویندگان قرار دارد. هر که
جویای خوشبختی دنیا و آخرت است، از این راه که نعمت والای
الهی است، بهره گیرد.

خود را بیازمایید

۱- خداوند متعال، امیرالمؤمنین علیه السلام را برای ما «ولی» قرار داده

است. از این مطلب چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟

(الف) این انتخاب خداست نه انتخاب مردم.

(ب) اطاعت او بر همه واجب است. (ج) هر دو.

۲- «پیروی از حکم/امیرالمؤمنین علیه السلام بر همه لازم است» یعنی چه؟

(الف) ما باید عقل خود را تعطیل کنیم.

(ب) عقل ما به ما حکم می‌کند که از آن بزرگوار پیروی کنیم.

(ج) این سخن، کلام پیامبر است، ولی قبول آن لازم نیست.

۳- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علم خود را به امیرالمؤمنین علیه السلام آموخته است.

در نتیجه:

(الف) باید از امیرالمؤمنین علیه السلام پیروی کنیم، چون علم کامل است.

(ب) از دیگران هم در حد علم ناقص آنها، می‌توانیم پیروی کنیم.

(ج) می‌توانیم علی علیه السلام را امام بدانیم، اما علم دین را از

دیگران فرا گیریم.

۴- خداوند متعال، علی علیه السلام را برتری داده است. پس ما وظیفه داریم:

(الف) فضایل او را ساخته دیگران ندانیم.

(ب) ما هم او را برتر از دیگران بدانیم.

(ج) الف و ب صحیح است.

۵- امیرالمؤمنین علیه السلام مبین کتاب خدا است. پس ما هم باید:

(الف) قرآن را به رأی خودمان تفسیر کنیم.

(ب) قرآن را به دانش خود، نه به رأی خود تفسیر کنیم.

(ج) قرآن را فقط بر اساس کلام اهل بیت علیهم السلام تفسیر کنیم.

۶- براساس حدیث ثقلین، دویادگار و جاویدان پیغمبر، عبارتند از:

(الف) قرآن و عترت (ب) قرآن و سنت (ج) قرآن و امت

۷- لقب «امیرالمؤمنین» را برای کدام معصوم می توان به کار برد؟

(الف) رسول خدا صلی الله علیه و آله (ب) علی بن ابی طالب علیه السلام

(ج) حضرت مهدی علیه السلام

۸- پیامبر، به امر الهی، چه کسی را به فضیلت «برادری خود»

افتخار بخشید؟

(الف) سلمان (ب) ابوذر (ج) هیچکدام

۹- کمال دین به چه امری است؟

(الف) نماز اول وقت (ب) قبول ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

ج) حفظ قرآن

۱۰- خداوند متعال کدام امام معصوم را برای احقاق حقوق اولیای

خود برگزیده است؟

الف) حضرت مهدی علیه السلام ب) امام حسین علیه السلام

ج) حضرت علی علیه السلام

۱۱- هشدار پیامبر (در مورد عدم بازگشت به جاهلیت) خطاب به کیست؟

الف) تمام امت تا روز قیامت ب) فقط مردم مکه

ج) فقط مردم مدینه

۱۲- چرا خدا ما را هدایت کرده و به اسلام فرا خوانده است؟

الف) چون لیاقت و استحقاق داشته‌ایم.

ب) به خاطر لطف بی‌پایانش که بدون استحقاق می‌بخشد.

ج) از آن رو که با مردم خوش رفتاری کرده‌ایم.

۱۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله رساندن پیام غدیر به... را وظیفه ما، اعلام فرمود.

الف) فقط مسلمانان ب) فقط شیعیان ج) تمام مردم

۱۴- خدای عزّ و جلّ ما را می‌آزماید، تا...

الف) ما را بشناسد.

ب) خوبی و بدی ما را به خودمان نشان دهد.

ج) ما را به گمراهی مجبور کند.

۱۵- راه خدا چیست؟

الف) آنچه ما به میل خود بخواهیم.

ب) آنچه ما به علم خود بیابیم.

ج) آنچه رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام از جانب خدا به ما بگویند.

۱۶- درباره «صراط مستقیم» کدام جمله صحیح است؟

الف) صراط مستقیم یعنی راهی که قرآن و عترت معین کنند.

ب) صراط مستقیم یعنی راهی که به عقل خودمان از قرآن بفهمیم.

ج) اساساً صراط مستقیم نداریم، بلکه صراط‌های مستقیم داریم.

۱۷- درباره ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن:

الف) آیات متعددی آمده است، که برخی از آنها را رسول

خدا صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر بیان فرموده است.

ب) مطلبی نیامده، چون بحث اختلافی است.

ج) مطلبی نیامده، چون نام علی علیه السلام در قرآن بیان نشده است.

۱۸- «ورود در بهشت».....

الف) برای استراحت و آرامش است.

ب) کمال لطف الهی و وسیله تکامل و ترقی انسان است.

ج) هیچ اهمیتی برای انسان ندارد.

۱۹- از آیه «انما انت منذر و لكل قوم هاد» برمی آید که:

الف) قرآن، تا روز قیامت برای هدایت، کافی است.

ب) عالمان دین، در همه زمانها هستند تا مردم را هدایت کنند.

ج) در هر زمانی، امامی از اهل بیت پیامبر ﷺ هست که حجّت الهی را تداوم بخشد.

۲۰- پیامبر خدا ﷺ درباره حضرت مهدی ﷺ در روز غدیر:

الف) او را «خاتم الائمه» معرفی فرموده‌اند.

ب) درباره غیبت حضرتش سخن گفته‌اند.

ج) در این مورد، سخنی نگفتند، چون مطالب خطبه غدیر فقط در مورد غدیر و حضرت علی ﷺ است.

۲۱- کدام معصوم بزرگوار، بر پیروان تمام دینها غلبه دارد؟

الف) رسول خدا ﷺ ب) امیرالمؤمنین ﷺ

ج) امام مهدی ﷺ

۲۲- «منتقم از ستمگران» کیست؟

الف) امام مهدی ﷺ ب) مختار ثقفی

ج) امام مهدی ﷺ

۲۴- حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، پس از ظهورش کوهمند خود:

الف) بلافاصله همه مردم را می‌کشد، و سیل خون به راه می‌اندازد.

ب) فقط مشرکان را به قتل می‌رساند.

ج) فقط مشرکان را می‌کشد، آن هم پس از زمانی که در جهت هدایت آنها و احتجاج با ایشان و اتمام حجّت بر آنها

گذرانده است.

۲۵ - نوید به ظهور حضرت مهدی علیه السلام...

الف) مختص اسلام است. ب) در تمام ادیان است.

ج) ساخته ذهن بشر است.

۲۶ - «پیروزمند شکست ناپذیر» کیست؟

الف) به اذن خدا، حضرت مهدی علیه السلام است.

ب) فقط خدای متعال است.

ج) پیروزی مطلق بدون شکست در این دنیا وجود ندارد.

۲۷ - رازدار خداوند بزرگ کیست؟

الف) جبرئیل

ب) در این زمان، حضرت مهدی علیه السلام است.

ج) خداوند، رازها و اسرار غیب خود را به هیچ مخلوقی نمی گوید.

۲۸ - درباره حج، کدام جمله صحیح است؟

الف) حج لازم نیست، بلکه می توان به جای آن به فقر کمک کرد.

ب) حج لازم است، اما آگاهی و تفقه در آن شرط نیست.

ج) حج لازم است، و آگاهی و تفقه در دین نیز در آن ضرورت دارد.

۲۹ - امر به معروف و نهی از منکر:

درس‌هایی از خطبه غدیریه ۱۴۵\

الف) کار درستی نیست، چون مداخله در زندگی مردم است.

ب) ضرورت دارد، و در رأس آن، ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

ج) ضروری است و باید با خشونت همراه باشد.

۳۰- رابطه بنده با خدای متعال چگونه است؟

الف) در برابر او مجبور است.

ب) آزاد است، رها شده و خدا هیچ قدرتی بر او ندارد.

ج) می‌تواند به جنگ خدا برود، ولی این کار فقط به ضرر انسان است.

۳۱- شکر نعمت هدایت چگونه است؟

الف) نشان دادن قبول هدایت، با عمل صحیح.

ب) دل خوش بودن به هدایت، و دنبال کار خود رفتن.

ج) تحقیر دیگرانی که این نعمت را ندارند.

۳۲- سرکشی انسان بر خدای بزرگ، چه نتایجی دارد؟

الف) کفران نعمت ب) محرومیت از نعمت‌های آینده

ج) پاسخ الف و ب صحیح است.



☐ ج	☐ ب	☐ ۱۷- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۱- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۱۸- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۲- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۱۹- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۳- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۲۰- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۴- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۲۱- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۵- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۲۲- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۶- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۲۳- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۷- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۲۴- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۸- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۲۵- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۹- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۲۶- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۱۰- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۲۷- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۱۱- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۲۸- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۱۲- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۲۹- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۱۳- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۳۰- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۱۴- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۳۱- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۱۵- الف
☐ ج	☐ ب	☐ ۳۲- الف	☐ ج	☐ ب	☐ ۱۶- الف

آداب عمید غدیر

علی اکبر تلافی

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَنْبِيَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا إِذَا أَرَادَ أَحَدُهُمْ أَنْ يَعْقِدَ الْوَصِيَّةَ وَالْإِمَامَةَ لِلْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ فَفَعَلَ ذَلِكَ جَعَلُوا ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيداً وَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلِيّاً لِلنَّاسِ عِلْماً وَأُنْزِلَ فِيهِ مَا أُنْزِلَ وَكُمِّلَ فِيهِ الدِّينُ وَتَمَّتْ فِيهِ النِّعْمَةُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ^۱

به راستی وقتی پیامبران بنی اسرائیل می خواستند وصیت و امامت را برای وصی و جانشین خود محکم و استوار گردانند و چنین می شد، آن روز را عید قرار می دادند. و به یقین عید غدیر روزی است که رسول الله صلى الله عليه وآله علی علیه السلام را به عنوان پیشوای مردم نصب کرد و نازل شد درباره اش آنچه نازل شد و در آن روز دین کامل گردید و نعمت بر مؤمنان تمام شد.

۱. تفسیر فرات / ۱۱۸، بحار الانوار ۳۷/۱۶۹.

روز هیجدهم ذی حجه از سال دهم هجرت مهمترین واقعه اعتقادی تاریخ اسلام اتفاق افتاد. در آن روز حضرت رسول ﷺ از جانب خداوند سبحان ماموریت یافت که علی بن ابی طالب (علیه السلام) را برای پیشوایی امت منصوب کند. آن حضرت که در راه بازگشت از حج خانه خدا بود، دستور داد تا همه کاروانیان همراهش از حرکت باز ایستند و در کنار برکه‌ای به نام غدیر خم اجتماع کنند. در پی این فرمان، مسلمانان که تعداد آنها به یکصد و بیست هزار نفر می‌رسید اجتماع عظیمی تشکیل دادند.

حضرت رسول ﷺ پس از اقامه نماز و ایراد خطبه‌ای بلیغ و طولانی دست علی (علیه السلام) را بالا برد و فرمود:

مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ فَعَلَيْ مُوَلَّاهُ. اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَاَلَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ.

هر که را من مولا و سرپرست اویم، پس علی نیز مولا و سرپرست اوست. خدایا دوست دار هر که او را دوست بدارد و دشمن دار هر که او را دشمن دارد.^۱

آنگاه از جانب پروردگار عالمیان آیه اکمال نازل آمد:

اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَ

۱. ذخائرالعقبی / ۶۷، مناقب ابن المغازلی / ۱۸.

مَرْضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا.^۱

امروز دیتان را برای شما کامل ساختم و نعمتم را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم.^۲

سپس رسول الله ﷺ فرمود:

حمد و سپاس خدای را که دین را کامل ساخت و نعمت را تمام کرد و به رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب خشنود شد.^۳
این رویداد مهم اعتقادی همان روز جشن گرفته شد.
مسلمانان دسته دسته برای تبریک و تهنیت به حضور امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شدند. از جمله آنان عمر بن الخطاب بود که پیش آمد و گفت:

يَخْلُجُ لَكَ يَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ! أَصَبَحْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ.

آفرین بر تو ای علی بن ابی طالب! مولای من و مولای هر مؤمن شدی.^۴

و حسان بن ثابت از حضرت رسول ﷺ اجازه خواست تا

۱. مائده/۳.

۲. مناقب ابن المغازلی/۱۹، شواهد التنزیل/۲۰۳/۱.

۳. اقبال الاعمال ۲/۲۴۸.

۴. مناقب ابن المغازلی/۱۹.

اشعارش را دربارهٔ علی عَلِيٍّ بخواند و آن حضرت اجازه داد. حسان خطاب به حاضران گفت: ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بشنوید. سپس این گونه سرود:

فَقَالَ لَهُمْ: مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ مِنْكُمْ
وَكَانَ لِقَوْلِي حَافِظًا لَيْسَ نَاسِيًا
فَمُوَلَّاهُ مِنْ بَعْدِي عَلَىٰ وَائِنِّي
بِهِ لَكُمْ دُونَ الْبَرِيَّةِ مُرَاضِيًا
فِيَا رَبِّ مَنْ وَالِيَ عَلِيًّا فَوَالِهِ
وَكَنْ لِلَّذِي عَادَىٰ عَلِيًّا مُعَادِيًا.^۱

– پس ایشان را گفت: هر که را از شما من مولای اویم و گفتار مرا به خاطر می سپارد و فراموش نمی کند.
– مولای او بعد از من علی باشد و به راستی من به او نه دیگر آفریدگان برای شما خوشنودم.
– پرودگارا هر که علی را دوست بدارد دوستش بدار و هر کس با علی دشمنی کند او را دشمن بدار.
بدینسان روز غدیر به عنوان روزی مهم و سرنوشت ساز

۱. کتاب سلیم بن قیس / ۸۲۹.

تلقى شد. و حضرت رسول ﷺ از آن به عنوان برترین عید امت یاد فرمود^۱. و به امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش فرمود که آن روز را عید بگیرد^۲. و از این رو بر مسلمانان است که هر سال این روز سرنوشت ساز را جشن بگیرند و اعمال و آداب مربوط به آن را به جای آورند.

در این جزوه شمه‌ای از آداب عید غدیر با استفاده از منابع معتبر اسلامی گرد آمده است که با به جای آوردن آنها می‌توان عید غدیر را به معنی واقعی خود جشن گرفت.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْعَمَلَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ ثَمَانِينَ عَشَرَ ذِي الْحِجَّةِ يَعْدِلُ الْعَمَلَ فِي ثَمَانِينَ شَهْرًا^۳.

به راستی عمل در روز غدیر هیجدهم ذی حجه از نظر ثواب با عمل در هشتاد سال برابری کند.

امید آن که بتوانیم با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و برائت از دشمنانش و عمل به دستوراتش مشمول دعای حضرت رسول ﷺ شویم.

۱. امالی الصدوق / ۱۰۹.

۲. اقبال الاعمال ۲/ ۲۶۴، ثواب الاعمال / ۱۰۰.

۳. اقبال الاعمال ۲/ ۲۶۴، ثواب الاعمال / ۱۰۰.

* تهنیت و تبریک گفتن

حضرت رضا علیه السلام فرماید: روز غدیر، روز تهنیت گفتن است. به یک دیگر تهنیت باید گفت. پس اگر مؤمنی برادر دینی خویش را ملاقات کرد بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
الْأَنْعَمَةِ عَلَيْهِ عليه السلام»

حمد و سپاس خدای را که ما را از کسانی قرار داد که به ولایت امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام چنگ زده‌اند.^۱

* دست دادن

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

إِذَا تَلَاَقَيْتُمْ فَتَصَافَحُوا بِالتَّسْلِيمِ^۱

وقتی در روز غدیر همدیگر را ملاقات کردید با سلام
به هم دست دهید.

* تبسم و اظهار شادی

حضرت رضا علیه السلام فرماید:

... وَهُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ. فَمَنْ
تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالرَّحْمَةِ وَقَضَى
لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ وَبَنَى لَهُ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ دُمُرَةِ بَيْضَاءٍ وَنَضَّرَ وَجْهَهُ^۲

روز غدیر، روز تبسم در روی مؤمنان است. هر که روز
غدیر در روی برادر دینی خود تبسم کند خدای در روز قیامت
نظر رحمت به سوی او افکند و هزار حاجتش را برآورده سازد و
در بهشت قصری از درّ سفید برایش بنا کند و صورتش را زیبا
سازد.^۳

۱. وسائل الشیعه ۴۴۵/۱۰.

۲. اقبال الاعمال ۲۶۱/۲.

۳. اقبال الاعمال ۲۶۱/۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

وَ اظهروا البُشرى فيما بينكم و السروى فى ملاقاتكم^۱

شادمانی را در میانتان و شادی را در ملاقاتتان آشکار کنید.

* پوشیدن لباسهای فاخر و زینت دادن

حضرت رضا علیه السلام فرماید:

... وَ هُوَ... يَوْمُ لُبْسِ الثِّيَابِ وَ نَزْعِ السَّوَادِ... وَ هُوَ يَوْمُ الزَّيْنَةِ. فَمَنْ
تَزَيَّنَّ لِيَوْمِ الْغَدِيرِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمِلَهَا صَغِيرَةً أَوْ كَبِيرَةً وَ
بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَائِكَةً يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ وَيَرْجِعُونَ لَهُ الدَّرَجَاتِ إِلَى
قَابِلٍ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَإِنْ مَاتَ، مَاتَ شَهِيداً وَ إِنْ عَاشَ، عَاشَ سَعِيداً.^۲

و روز غدیر روز پوشیدن لباس و کندن سیاه است... و آن
روز روز زینت دادن است. هر که برای روز غدیر زینت کند
خدای همه گناهان کوچک و بزرگش را بیامرزد و فرشتگانی به
سویش فرستد در حالی که حسنات او را می نویسند و تا عید
غدیر سال آینده بر درجات او می افزایند و اگر بمیرد شهید بمیرد

۱. اقبال الاعمال ۲/۲۶۱.

۲. اقبال الاعمال ۲/۲۶۲.

و اگر زنده باشد با سعادت زندگی کند.

* طعام دادن

حضرت رضا علیه السلام فرماید:

... وَمَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِناً كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ
الصِّدِّيقِينَ.^۱

... و هر که مؤمنی را در روز غدیر طعام دهد مانند کسی
است که همه پیامبران و صدیقان را طعام داده است.

* دید و بازدید

حضرت رضا علیه السلام فرماید:

... وَمَنْ زَارَ فِيهِ مُؤْمِناً أَدْخَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ سَبْعِينَ نَوْراً وَوَسَّعَ فِي قَبْرِهِ
وَيَنْزِلُ قَبْرُهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَيُبَشِّرُونَهُ بِالْجَنَّةِ.^۲

... و هر که در روز غدیر مؤمنی را دیدار کند، خدای هفتاد
نور در قبرش وارد کند و قبرش را گشاده سازد. و هر روز هفتاد

۱. اقبال الاعمال ۲/۲۶۲.

۲. اقبال الاعمال ۲/۲۶۲.

هزار فرشته قبرش را زیارت کند و بهشت را به او بشارت دهند.

* توسعه دادن

حضرت رضا علیه السلام فرماید:

... وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَنْزِلُ اللَّهُ فِي مَالٍ مِّنْ عَبْدٍ فِيهِ وَوَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ
وَنَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ وَيُعْتِقُهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ.^۱

و روز غدیر روزی است که خدای فزونی دهد در مال و
دارایی کسی که در آن روز عبادت کند و بر خانواده و خویشان
و برادران ایمانی اش توسعه دهد.

* هدیه دادن

فیاض بن محمد بن عمر طوسی گوید:

در روز غدیر ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام را دیدم که
نزد خود جمعی از دوستانش را برای صرف افطار نگاه داشته بود، و
به خانه های آنان نیز طعام، هدایا و لباس - حتی انگشتری و
پای پوش - فرستاده بود، و سر و وضع دوستان و اطرافیان خود را
تغییر داده بود. در آن روز با وسایل پذیرایی تازه - غیر از آنچه در

دیگر روزها در خانه آن حضرت استفاده می شد - از آنان پذیرایی می کردند. و حضرتش فضیلت و سابقه کهن آن روز را بیان می فرمود.^۱

* افطاری دادن

... وَ يَوْمُ تَفْطِيرِ الصَّائِمِينَ فَمَنْ فَطَّرَ فِيهِ صَائِمًا مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ
أَطْعَمَ فِتْنَامًا وَ فِتْنَامًا إِلَى أَنْ عَدَّ عَشْرًا ثُمَّ قَالَ: أَوْ تَدْمَرِي مَا الْفِتْنَامُ؟ قَالَ:
لَا، قَالَ: مَائَةُ أَلْفٍ.^۲

... و روز غدیر روز افطاری دادن به روزه داران است.
هر که در روز غدیر روزه دار مؤمنی را افطاری دهد همانند کسی
باشد که ده فئام را افطاری داده است آن گاه فرمود: آیا دانی که
فئام چیست؟ راوی گفت: نه. آن حضرت فرمود: صد هزار نفر
است.

* یاری دادن

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

۱. اقبال الاعمال ۲/ ۲۵۴.

۲. اقبال الاعمال ۲/ ۲۶۱.

مَنْ أَسْعَفَ فِيهِ أَخَاهُ مُبْتَدِئًا وَبَرَّةً مُرَاغِبًا فَلَهُ أَجْرُ مَنْ صَامَ هَذَا الْيَوْمَ
وَقَامَ لَيْلَهُ^۱

هر که در روز غدیر برادرش را بدون درخواست کمک
یاری دهد و از روی رغبت به او نیکی کند او را پاداش کسی
باشد که در این روز روزه‌داری کند و شبش را به عبادت
گذراند.

* نیکی کردن

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

تَبَارَكُوا يَصِلُ اللَّهُ الْفَتْكَمَ ... وَالْبِرُّ فِيهِ يُمَرُّ الْمَالُ وَيَزِيدُ فِي
الْعُمْرِ^۲

به یک دیگر نیکی کنید که خدای دوستی بین شما را
پایدار سازد... و نیکی کردن در روز غدیر موجب افزایش مال و
عمر می‌شود.

۱. وسائل الشیعه ۴۴۵/۱۰.

۲. اقبال الاعمال ۲۵۹/۲.

* حمد الهی

رسول الله ﷺ فرمود: یکی از سنتها آن است که مؤمن در روز غدیر صد بار بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ كَمَالَ دِينِهِ وَتَمَامَ نِعْمَتِهِ بَوْلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

حمد و سپاس خدای راست که کمال دین و تمام نعمتش را به ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام قرار داد.^۱

* صلوات و برائت

حسن بن راشد گوید: به حضرت صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم، برای مسلمانان بجز دو عید [فطر و قربان] عید دیگری است؟ فرمود: آری ای حسن، عیدی است از آن دو بزرگتر و شریفتر. گفتم: آن عید کدام روز است؟ فرمود: روز نصب امیرالمؤمنین - صلوات الله و سلامه علیه - به پیشوایی مردم. گفتم: فدایت شوم، کدام عمل شایسته آن روز است؟ فرمود: روزه‌داری کن ای حسن. و بر محمد و آلش بسیار صلوات فرست. و به سوی خدا از ستم کنندگان بر آنان

بیزاری جوی.^۱

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

وَهُوَ ... يَوْمُ اكْثَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.^۲

و روز غدیر... روز بسیار صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد است.

* عقد اخوت و برادری

علامه محدث میرزا حسین نوری (۱۳۲۰ق) از کتاب زاد الفردوس نقل می کند: سزاوار است در این روز برادران دینی با همدیگر عقد اخوت ببندند و کیفیت آن این گونه است که یکی دست راست خود را در دست راست دیگری بگذارد و بگوید:

«وَ اخِيْتُكَ فِي اللَّهِ وَ صَافَيْتُكَ فِي اللَّهِ وَ صَافَحْتُكَ فِي اللَّهِ وَ عَاهَدْتُ
اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ كُتُبَهُ وَ رُسُلَهُ وَ أَنْبِيَاءَهُ وَ الْأَئِمَّةَ الْمَعْصُومِينَ عليهم السلام عَلَى
أَنِّي إِنْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ الشَّفَاعَةِ وَ أُذِنَ لِي بِأَنْ أَدْخُلَ الْجَنَّةَ لَا
أَدْخُلُهَا إِلَّا وَ أَنْتَ مَعِي.»

۱. الکافی ۴/ ۱۴۸ و ۱۴۹.

۲. اقبال الاعمال ۲/ ۲۶۱.

برادر شدم با تو در راه خدا و در برادری با تو اخلاص
ورزیدم و دست دادم با تو در راه خدا، و پیمان بستم با خدا و
فرشتگانش و کتابهایش و رسولانش و پیامبرانش و امامان
معصوم علیهم السلام که اگر از بهشتیان و اهل شفاعت باشم و اجازه یابم
که وارد بهشت شوم داخل نشوم مگر آن که تو نیز با من باشی.

و دیگری بگوید: «قَبِلْتُ»؛ پذیرفتم.

آن گاه هر یک به دیگری بگوید:

«أَسَقَطْتُ عَنْكَ جَمِيعَ حُقُوقِ الْأُخُوَّةِ مَا خَلَا الشَّفَاعَةَ وَالْدُّعَاءَ وَ

النِّزَامَةَ»

ساقط کردم از تو همه حقوق اخوت را جز شفاعت و دعا
و زیارت.^۱

* نماز روز غدیر

نماز روز غدیر به دستور حضرت صادق علیه السلام این گونه است که
نیم ساعت پیش از زوال (ظهر شرعی) غسل کند و حاجت های خود
را از خدا بخواهد آن گاه دو رکعت نماز بخواند، و در هر رکعت

بعد از سوره حمد به ترتیب هر یک از سوره‌های توحید و آیه الکرسی و سوره قدر را ده مرتبه قرائت کند. آن حضرت فرمود: هر که این نماز را بخواند، خدای هر نیاز دنیوی و اخروی او را بر آورده سازد.^۱

* روزه‌داری

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود:

صِيَامُ يَوْمٍ غَدِيرٍ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ عُمَرِ الدُّنْيَا. أَوْ عَاشِ انْشَانُ ثُمَّ صَامَ مَا عَمِرَتِ الدُّنْيَا، لَكَ أَنْ لَهُ ثَوَابُ ذَلِكَ. وَصِيَامُهُ يَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ عَامٍ مِائَةَ حِجَّةٍ وَمِائَةَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ. وَهُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ^۲

روزه روز غدیر خم برابر است با روزه عمر دنیا. چنانچه انسانی عمر دنیا بیابد و به همان اندازه نیز روزه بدارد روزه این روز برابر باشد با ثواب آن. و روزه این روز در هر سال نزد خدای عز و جل برابر است با صد حج و صد عمره درست و

۱. بنگرید به: التهذیب ۱۴۳/۳.

۲. التهذیب ۱۴۳/۳.

مقبول. و این روز بزرگترین عید خداست.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

اِذَا خَلَصَ الْمُخْلِصُ فِي صَوْمِهِ لَقَصُرَتْ اَيَّامُ الدُّنْيَا عَنْ كِفَائِهِ.^۱

چون بنده مخلص در روزه داری روز غدیر اخلاص ورزد
همه روزهای دنیا از هماوردی آن روز ناتوان باشند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

أَمَرَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَوْصِيَاءَهَا أَنْ يَصُومُوا الْيَوْمَ الَّذِي يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ
يَتَّخِذُونَهُ عِيداً. وَمَنْ صَامَهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِ سِتِّينَ سَنَةً.^۲

پیامبران به اوصیاء خود فرمان دادند که روزه بدارند آن
روزی را که وصی در آن روز تعیین می شود در حالی که آن
روز را عید هم می گرفتند. هر که آن روز را روزه بگیرد از عمل
شصت سال برتر خواهد بود.

۱. اقبال الاعمال ۲/ ۲۵۹.

۲. الخصال/ ۲۶۴.

زیارت امیر المؤمنین علیه السلام

سید بن طاووس در اقبال الاعمال ۳۰۶/۲ و ۳۰۷ به روایت از حضرت صادق علیه السلام آورده است: اگر به روز غدیر در مشهد مولا یمان امیر المؤمنین علیه السلام بودی پس از دو رکعت نماز (زیارت) و دعا، خود را به قبر حضرتش نزدیک کن و اگر در نقطه‌ای به دور از قبر آن حضرت بودی، پس از دو رکعت نماز (زیارت)، اشاره به سوی آن حضرت نما، و بگویی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی وَكَيْلِكَ وَ اَخِي نَبِيِّكَ وَ وَثَرِ سِرِّهِ وَ حَبِيْبِهِ وَ خَلِيْلِهِ وَ
مَوْضِعِ سِرِّهِ وَ خَيْرِ سِرِّهِ مِنْ اَسْرَرِهِ وَ وَصِيِّهِ وَ صَفْوَتِهِ وَ خَالِصَتِهِ وَ اَمِيْنِهِ وَ
وَكِيْلِهِ وَ اَشْرَفِ عِزَّتِهِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِهِ وَ اَبٰى ذُرِّيَّتَهُ وَ بَابِ حِكْمَتِهِ وَ النّٰاطِقِ
بِحُجَّتِهِ وَ الدّٰعِي اِلَى شَرِيْعَتِهِ وَ الْمَاضِي عَلَى سُنَّتِهِ وَ خَلِيْفَتِهِ عَلَى اُمَّتِهِ
سَيِّدِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمَحْبُوْلِيْنَ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَأَصْفِيَاكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغَ
عَنْ نَبِيِّكَ مَا حُمِلَ وَمَرَعَى مَا اسْتَحْفِظَ وَحَفِظَ مَا اسْتَوْدَعَ وَحَلَّلَ حَلَالَكَ وَ
حَرَّمَ حَرَامَكَ وَأَقَامَ أَحْكَامَكَ وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ وَوَالَى أَوْلِيَاءَكَ وَ
عَادَى أَعْدَاءَكَ وَجَاهَدَ الثَّاكِبِينَ عَنْ سَبِيلِكَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ عَنْ
أَمْرِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا غَيْرَ مُدْبِرٍ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ حَتَّى بَلَغَ فِي
ذَلِكَ الرِّضَا وَسَكَمَ الْقَضَاءَ وَعَبْدَكَ مُخْلِصًا وَنَصَحَ لَكَ مَجْتَهِدًا حَتَّى آتَاهُ
الْيَقِينَ فَفَبَضْتَهُ إِلَيْكَ شَهِيدًا سَعِيدًا وَلِيًّا تَقِيًّا رَضِيًّا نَزَكِيًّا هَادِيًّا مَهْدِيًّا.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَ
أَصْفِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

خدایا، رحمت پیاپی فرود آر بر ولایت و برادر پیامبرت و
وزیرش و حبیبش و دوست مخصوصش و جایگاه رازش و
منتخبش از خاندانش و وصیش و برگزیده اش و یار خالصش و
امینش و ولیش و شریفترین عترت مؤمنش و پدر نسلش و در
حکمتش و گویای به حجتش و دعوتگر به شریعتش و رهرو
ستش و جانشینش بر امتش، مهتر مسلمانان و امیر مؤمنان و
پیشوای سپیدرویان، به برترین رحمتی که فرود آورده ای بر یکی

از آفریدگانت و برگزیدگانت و اوصیای پیامبرانت. خدایا، به راستی من گواهی دهم که آن حضرت رسانید آنچه از پیامبرت دریافتی بود و رعایت نمود آنچه باید حفظ می‌کرد. و محفوظ داشت آنچه نزدش به ودیعت گذارده بودند. و حلال را حلال شمرد و حرمت را حرام. و احکامت را بر پای داشت. و به راهت دعوت نمود. و دوستان را دوست داشت. و با دشمنان دشمنی کرد. و با عهدشکنان از راهت و بیدادگران و سرکشان راهت و بیدادگران و سرکشان از امرت جهاد کرد با کمال صبر و تحمل، و بی‌عقب‌گرد. و بازداشت او را در راه خدا سرزنش سرزنشگری، تا آن که در این باره به مقام رضا رسید و خود را تسلیم قضای تو کرد و با اخلاص تو را پرستید و برای تو نیکخواهی کرد با کوشش تمام، تا مرگ به سراغش آمد و او را قبض روح نمودی به سوی خودت در حالی که شهید، سعید، ولی، تقی، پسندیده، پاک، هدایتگر و هدایت یافته بود. خدایا رحمت پیاپی فرود آر بر محمد و بر او، به برترین رحمتی که فرود آورده‌ای بر یکی از پیامبرانت و برگزیدگانت، ای پروردگار عالمیان.